پیغام

۱۴ - ۱۵

(شماره ویژه خشکسالی)

۲۰۰۰

شنیدم از اینجا سفر میکنی؟
تو آهنگ شهر دگر میکنی؟
خیال من از سر بدر میکنی؟
همان لحظهٔ آشنایی تو
گمان برده بودم جدایی تو

تو عشق آفرین بلبل گلشنی؟
جدا از من و روز و شب با منی؟
ز دوری به جان...
ز دوری به جانم شرر میزنی؟
همان لحظهٔ آشنایی تو
گمان برده بودم جدایی تو

بدیا سس صهبای سرشکم بیا
حذر از ستم کن برای خدا
کجا میروی...
کجا میروی آرزویم کجا؟
همان لحظهٔ آشنایی تو
گمان برده بودم جدایی تو

شنیدم از اینجا سفر میکنی؟
تو آهنگ شهر دگر میکنی؟
خیال من از سر بدر میکنی؟

PROPERTY OF ACKU S888

به یاد ظاهر هویدا

شنیدم ازینجا سفر میکنی
تو آهنگ شهر دگر میکنی
خیال من از سر بدر میکنی
همان لحظهء آشنایی تو
گمان برده بودم
جدایی
تو

دوست هنرمندی داشتم به نام جواد منصور پوپل. هر باری که او را میدیدم، خنده اش را به فال خجسته میگرفتم. او همیشه سخنان جالبی می آورد. اگر خنده در چهره اش پیدا نمیبود، حتماً دلیلی داشت: مثلاً یك روز گفت: «دلم تنگ اس.» گفتم: «هر کس دلتنگیهایی داره!» او گفت: «اما از مه او قسم دلتنگیها نیس،» و آهسته افزود: «به کسی نگویی، هویدا صاحب رفت.»

جواد سخنان دیگری هم گفت که شاید بسیاری از آنها را نشنیدم. «اگر یك امانت بریت بتم، چی وخت پس میتی؟» و بدون اینکه مرا تا پاسخ بگذارد، گفت: «کتابچهء خاطرات ظاهر هویدا! دو سه روز پیشت باشه، اما حتماً پس بتی، امانت اس...» او خداحافظی کرد و من به دنیای "خاطره ها" رفتم.

● آن روزها...

در میان ورقپاره ها و یادداشتهای پراکنده که ظاهر هویدا نوشته شده بود، دفتری به نام "خاطره ها" به چشم میخورد. روپوش "خاطره ها" گل میخك پرپر شده روی پرده های هارمونیه را نشان میداد؛ اندکی بالاتر از آن پستکارت یك جفت چشم (شاید بریدهء مجله یی) دیده میشد و در زیر آن شعر کوتاه: «این چشمهای تو -انبوه قهوه زار-/ بیخوابی مرا/ تعبیر میکند» و به دنبال آن: «این شعر را در ایران از دوستی شنیده بودم. خدا کند حافظه ام در نوشتن آن اشتباه نکرده باشد. به هر حال برای من محتوای شعر و محتوای چشم مطرح است: چشمان قهوه یی؟! ظاهرهویدا - کابل ۱۵ جوزا ۱۳۵۲».

در صفحهء دیگر دو دختر و دو پسر جوان به نامهای سامان، شهلا، کوروش و مهرداد را می بینیم که روی عکس شان نوشته است: «به دوست و هنرمند افغانی، محمد ظاهر هویدا، از سوی کارمندان گروه ششم تلویزیون ملی ایران» (امضاها)

در سال ۱۳۵۰ ظاهر هویدا برای اجرای کنسرتی به ایران رفته بود. هنگامی که او در آغاز یکی از برنامه های آوازخوانی در آنجا به پیشینهء هنر موسیقی در افغانستان و ایران و ویژگیهای آنها پرداخت، بخش زیادی از برنامه به گفت و شنود تبدیل شد.

نشریهء «زن روز» در شمارهء ۴۰۳، سال ۱۳۵۱ زیر عنوان «افغانگرایی، پدیدهء تازه در موسیقی روز» نوشت: «مدتیست که در ترانه های روز ایرانی، افغانگرایی به صورت پدیدهء رایج مورد توجه خوانندگان و آهنگسازان قرار گرفته و مردم هم کم و بیش از آن استقبال میکنند... به خاطر پیروزی و شهرت برخی از ترانه ها، با بهره جویی از نام آنها، چند فلم سینمایی نیز ساخته شده است. خوانندهء ترانهء «کمر باریك» که از آهنگهای موفق ماههای اخیرست و تقریباً همه آن را زمزمه میکنند، جوانی است افغانی به نام

محمد ظاهر هویدا که اوایل تابستان سال گذشته به تهران آمد و با اجرای این ترانه ناگهان چنان شهـرتی به دسـت آورد کـه در ایران ماندگـار شده است. او ۲۷ سال دارد و فـارسی ایرانی را به لهجهء شیرین افغانی صحبت میکند. »

● سپیده دم یا شامگاه زندگی؟

برگهای "خاطره" را بر میگردانم و در جایی میخوانم: «امروز صبح خبرنگار مجلهء ژوندون را دیدم. او برای تهیهء گفت و شنودی از من خواسته است تا بخشی از زندگینامه ام را برایش قصه کنم. نمیدانم از کجا آغاز کنم. از پدرم که شاعر منش و محقق و آوازخوان میان خانه بود، و روزی در میان قرضهای ادا نشده اش جان سپرد؛ یا از مادرم که زن بیچاره و تیره بختی بود؟ از خانوادهء در به درم که در دامان دایزنگی هزاره جات در وضع ناگوار و غیر قابل تحمل اقتصادی زندگی میکرد، یا از خودم؟ از روزهایی که رادیو نداشتیم و به خاطر شنیدن آهنگها، شبانه روی بام میخوابیدیم؟ آنهم به دلیل فاصلهء زیاد درست شنیده نمیشد و من که ناراحت بودم، ناراحتتر میشدم؛ یا از روزهایی که به خاطر شنیدن موسیقی از لودسپیکر عمومی جادهء میوند، مانند درخت، در کنار درختها می ایستادم. اما نداشتن جاکت و لباس زمستانی "اجازه" بیشتر از نیم ساعت ایستادن نمیداد، و به این ترتیب غمگینانه راهی دهمزنگ میشدم.

نه سال داشتم که خانوادهء ما از هزاره جات به کابل آمد. به مکتب استقلال شامل شدم. دشواریهای اقتصادی و فشار زیاد کارهای روزانه وادارم ساخت تا مکتب را ناتمام رها کنم. خوب به خاطر دارم که در آغاز کسی برادرم و مرا به کار نمی پذیرفت، زیرا هم خورد بودیم و هم ناآشنا با گرم و سرد بازار. یك روز بچهء همسایه به من مژده داد که موچی سر کوچهء اول دهمزنگ شاگرد به کار داد. رفتم و برای نخستین بار شاگرد بوت دوز شدم. راست بگویم همه دوران کودکی و نوجوانیم را کوچه به کوچه و دکان به دکان یا شاگرد بوده ام یا همانند آن. سه سال شاگرد خیاط، یکنیم سال شاگرد حکیم جی (طبیب یونانی)، دو سال تکت فروش و چهار سال دربان سینما و بقیه هم گاهی شاگرد مستری و گاهی شاگرد آهنگر... به خدا تمام زندگیم را برای به دست آوردن یك لقمه نان جان کنده ام. »

● باطن هویدا

شاید بتوان گفت که اینست پاسخ بخشی از چراها در پیرامون زندگی سراپا درد ظاهر هویدا، و اینکه چرا هنگام آنهمه خوشیها و شوخیها اندوه گنگ و ناشناخته یی در چهره اش موج میزد. شاید اکنون بتوان گمان برد که چرا توازن و تعادل در زندگی آشفتهء او راه نداشت: گاهی یکپارچه خنده وشور و تلاش و گاهی گرفته، دلتنگ و گوشه گیر.

ظاهر هویدا چندی به کتاب رو آورد، میخواند، مینوشت، حاشیه برمیداشت و کم کم شعر میسرود. اما آشتی ناپذیریهای روانی نگذاشت که این دوران به درازا بکشد. او در جایی از "خاطره ها" نوشته است: «در مورد هیچ چیز به اندازهء شعر حساس نیستم. از همین رو،

زمانی به این نتیجه رسیدم که دیگر نباید سروده های خودم را بخوانم. برای اینکه شعر واقعاً به شعر بماند، باید نمای کامل و شفافی باشد از حقیقت برهنهء زندگی، یعنی هم نشاندهنده باشد و هم آگاهی دهنده، درست مانند خود زندگی. شعر باید دارای نیروی انتقال تأثرات و عواطف باشد.»

● در به در به دنبال دوست

ظاهر هویدا با عزیز آشنا در ۱۳٤۲ "ارکستر گروه آماتورها" را ساخت. او با آنکه بسیار خوب آغاز کرده بود، خوب دنبال نتوانست کرد. گویی تازیانهء سرنوشت بود که او را میتازاند. هویدا این پیشه را نیز رها کرد و به گردآوری دوستانی از گونهء دیگر پرداخت. این بار تا توانست با نقش آفرینان، کمیدین ها، نویسندگان، سرودپردازان و هنرمندان گسترهء رسم و خط نزدیکی گرفت و خواست تا «کانون هنر» را گرم نگهدارد. دلتنگیها او را از پیش رفتن درین راستا نیز باز داشت و در "قطی عطار" و "نمایش رادیویی" زمینگیرش ساخت. او به طنز و فکاهی نویسی روی آورد. روزگار طنز پردازی هویدا به هر حال اندکی دامنه دارتر بود، شاید او درین شیوه بهتر میتوانست اندوهش را آب کند یا از زندگیش انتقام بکشد.

او میگفت: «از لحاظ روانی و عاطفی تحمل پذیر استم، زیاد زیر تأثیر نداشته ها نمیروم... مادرم به هر کس میگوید که ظاهر آفتابه خرج لحیم است. تا قرض از گلویش بالا نرود کنسرت نمیدهد. اما من گمان میکنم که در آشفته بازار کنونی هنر که سره و ناسره را جدا کردن تا سرحد ناممکن دشوار شده، باید هنرمند بود، نه کاسب.»

● هویدا در پیلهء اندوه

در گوشهء یکی از برگهای دفتر "خاطره ها" خواندم: «میتوانم ادعا کنم که زندگی کردن با حد اقل شرایط لازم در کشور خودم را به برخوردار بودن از حد اکثر، اما در کشور بیگانه، ترجیح داده ام و ترجیح میدهم.» یادم آمد که این گفته هویدا را در مجلهء ژوندون (شمارهء ۲٦، سال ۱۳۵۲) نیز خوانده بودم.

ظاهر هویدا پس از بیداد پلیس سالاری رژیم داس چکشی دیگر در دفتر "خاطره ها" چیزی ننوشته، اگر نوشته آن را پاره کرده و از بین برده است. یکی دو جا روی چند یادداشت خطهای درشت و درهم کشیده شده است.

● ازینجا تا شمالی کار دارم

هویدا پس از سالهای شوم ۵۷-۵۸، روز تا روز رنجورتر و خشمگین تر میشد. کم سخن میزد و کمتر میخندید. هنگامی که در بیداد رژیم کودتا آهنگ پر آوازه و رازورانهء «ازینجا تا شمالی کار دارم» را خواند، دروازه های رادیو و تلویزیون (حکومت کابل) آهسته آهسته به رویش بسته شدند. و زندگی این هنرمند بار دگر به سرزمین سرگردانیها و آوارگیهای نخستین، یعنی خم و پیچ کوچه ها و دکانها کشید. ظاهر هویدا اندکی بیشتر از یکسال در

دکان نه چندان پر رونقی به نام «خوراکه فروشی شور و شیرین» به تهیه و تقدیم چپس و نوشابه های گرم و سرد پرداخت. او پس از ورشکست شدن در برابر فروشگاه های رنگین تر، به تکسی رانی رو آورد. (گویی میخواست سرگردانیهایش را شتابنده تر بپیماید.) سر انجام مانند این بود که خستگی درمان ناپذیری در روان پریشان او لانه کرده باشد؛ برگشت و خودش را در زندان تنهایی چاردیوار خانه افگند و خاموشی گرفت.

● در زندگی زخمهایی هست که...

هویدا با روانپریشیهای فزاینده یی که یافته بود، یازده سال تمام با آشفتگیها و توفانهای ناآرامی درون خود در آویخت و با خود جنگید تا پیوندهایش با یار و دیار نگسلد، اما او در پایان یك ستیز فرساینده با خود، در سپیده دم کبود و دلگیر ۲۲ دلو ۱۳٦۷ که سرمای چله بیداد میکرد، بیراههء بیرون رفت از بن بست بیکسی و از خود بیگانگی را یافت و پیش از آنکه در راه بی برگشت گام گذارد، با دستهای استخوانیش زنجیر دروازه را با صمیمیت خداحافظی فشرد و با نگاه بسیار تلخ از پنجره های خانه روی برتافت و "آهنگ شهر دگر" کرد.

هنگامی که ظاهر هویدا از افغانستان میرفت، کسی پیدا نشد، تا از پَیَش آبی بیفشاند. و ناگفته پیداست همانگونه که پس از رفتنش، کسی نگفت: «جایش سبز!» شاید با رسیدنش در سرزمین دیگران هرگز کسی به رویش نخندیده باشد و برایش نگفته باشد: «خوش آمدی!»

● همان لحظهء آشنایی تو...

یادم آمد که "خاطره ها" امانت کسی است. به سوی خانهء جواد منصور پوپل رفتم. هنوز زنگ دروازه را نفشرده بودم که دخترك همسایه شان گفت: «خانه خالی اس!» با شگفتی پرسیدم: «خالی؟ چرا؟ جواد...» دخترك سخنم را برید و آهسته تر گفت: «به کسی نگویی، جواد رفت.»

□ □

صبور الله سیاه سنگ

کابل، هژدهم حوت ۱۳٦۷

د صاحب جان کتوازي له خوا

د افغانستان په جنوبی سیمه کي وچکالي او په ژوند باندی د هغی تاثیرونه

په افغانستان کي په تیره بیا د افغانستان په جنوبي سیمه کي د سیر کال وچکالي، ویل کیږي، چې په تیرو دیر شو کلونو کې یوه بی ساري وچکالي ده چې د سل گونو زرو انسانانو او څارویو ژوند یې له کلکه گوابنه سره مخامخ کړیدي.

په افغانستان کي دا د وچکالي دریم دوامداره کال دي چیري چې څه د پاسه ٪ ٦٠ خلک په مستقیمه یا غیر مستقیمه توگه سره د کرني په هغه سکتور کي شامل دي چې په باران او واوره باندي تکیه لري. د افغانستان په جنوب لویدیځه سیمه کي د باران اندازه په بي ساری توگه را تیته شویده دي وچکالي تر اوسه پوري د افغانستان په جنوبي سیمه کي د کوچیانو ٪ ٦٠ - ٪ ٧٠ مالونه (څاروي) وژلي دي. د تولو خلکو روغتیا په تیره بیا دمور او ماشوم روغتیایي د شیدو د کموالي له امله له کلکه گوابنه سره مخامخ کړیده. د څښلو د اوبو او د خوراکي موادو کموالي په ټول افغانستان کي د انسانانو او څارویو لپاره یو لوی ستر گوابن دي.

په کندهار کي د نړي د روغتیایي سازمان د دفتر مسول، ډاکټر شاه ولي پوپل د مي د میاشتي له نهمي (٩) نیټي څخه تر یوولسمي (١١) نیټي پوري د کندهار او د زابل د ولایتونو د وچکالي په ځپلو پنځو ولسوالیو کي د روغتیایي حالت د معلومولو لپاره د څیړني یو سفر پیل کو. دلته مونږ د ډاکټر پوپل د رپوټ او څیړنو خینې برخې رانقلوو:

داوبو زیرمي:

دی هیات د زابل په ولایت کي د قلات ښار، د شینکي او شمولزو ولسوالي او د اتغر سیمه چې وچکالي ځپلي سیمي دي ولیدلي. او دغه راز هیات د کندهار په ولایت کي د معروف .او ارغستان ولسوالیوته سفر وکړ. د گرني تولي ځمکي په وچو دښتو بدلي شوي او د اوبو لگولو کانالونه، کاریزونه، او څاگاني وچې شوېدي .د د اوبو سطحه په چټکي سره ښکته ځي په ځینو ولسوالیو کي ٪ ٦٠ څاگاني وچې شویدي د کندهار د

معروف د ولسوالي اوسيدونکي ددي لپاره چې د چنبلو اوبه پيدا کړي، د معروف د ولسوالي دوچ شوي د رباب په نس کې ځاګاني وهي په داسي حالت کې چې په نورو ولسوالیو کې خلک لګیادي او خپلي ځاګاني په دوامداره توګه سره ژوروي او یا نوي ژوري ځاګاني وهي.

سړکال په دغو ولسوالیو کې د هغو درمندونو او ریاشو فصل چې د باران او واوري په اوبو یې تکیه لرله له صفره سره برابر دي. په ځینو سیمو کې چې چا کرونده کړي هغه پخوا له دي چې حاصل ته ورسیږي وچه شوي ده او هغي ته یې څروي ورایله کړي دي څو هغه له مرګه مړیني څخه وژغوري باغونه او دانکورو تاکونه مړاوي او رنګ او پاڼي یې ږیړي اووچ شویدي، داسي معلومیږي چې په دي فصل باندي د خزان وچه او سړه شپیلي راخلاصه شویده ددي سیمو او سیدونکو خپل ټول شته په کار اچولي او د کاریزونو په پاکولو او ژورولو لګیادي څو د خپل مړاوي فصل لپاره کوم غوړپ اوبه پیدا کړي او د هغوي تنده ورماته کړي دوي په سل ګونو ټنه ختیه له خپلو کاریزونو څخه را ایستلي خو د اوبو کوم درک نه لګیږي. ددوي ټولي هلي ځلي، زیار او زحمت بې فایدي دي. ددوي د فصل تنده چا ماته نه کړه او نه چا ددوي دوږي څاروي ګیډه مړه کړه اوبه نشته، اووږي څاروي یو په بل پیسي مړه کیږي.

کوچیان:

کوچیان د افغاني ټولي هغه برخه ده چې تر ټولو زیات ددي بې رحمه او دوامداري وچکالي له امله ډیر زیات زیانمن شویدي. وچکالي په دوي فشار راوړي او دوي یې دی ته مجبور کړي چې خپل ځایونه پریږدي او هغو سیمو ته مهاجر شي چیرې چې یو غوړپ او به او د خپلو څارویو لپاره یو څه واښه پیدا کړي. ځکه ددوي ژوند ددوي په څارویو باندي ولاړ دي نو کوچیانو همیشه د خپلو څارویو د سوکالتیا او آرامتیا لپاره شپه او ورځ یوه کړي او له یوي مینې څخه بلې ته سفر کوي. د کوچیانو دي سرګرداني او پریشاني د ښارونو او کلیو خلک هم ډیر نا آرامه کوي دی ځکه ددوي د غوښو او شیدو او نورو یوازیني ارزانه منبع همدا کوچیان وو چه ښارونو او کلیوته به یې پریمانه شیدي، غوښې او دشیدو نور تولیدات برابرول خو سړکال داغني او ارزانه منبع له نابودي سره مخامخ ده، څوک به دي ته نجات ورکړي اودچاړه به په دغو محرومو او بې وزلو انسانانو باندي

وسوزي. د کوچي مرينه دهغه د ځاروي مرينه ده د هر ځاروي له مرينې سره کوچي مرکيږي، ځاروي له لوړې رپيږي او مړه کيږي خو بې وسه کوچي نااميده ولاړ او هغه ځاري ادو خپلې آينده په غم کې ډوب دي. کله چې ځاروي نه وي، نو کوچي به څه کوي؟ او هغه سرشاري بيديايي او ښکلي دنګ دنګ غرونه چې په د کوچيانو په راتلو سره نور هم ښکلي شول، نور په دا ښکلا دلاسه ورکړي چې پرې به سپيني رمې او سري ګلي (اوښان) ځيريدلي (څړکاوه). او غرونو به د شنه پوښ په ځاي سپين او سور پوښ هم په ځان ورغوړاوه. آيا داغرونه اووچي دښتې به بيا هغسي سمسوري شي او آيا بيا به هغسي شور ماشور او ګړنګاتر غوږ کړي؟

کوچيانو ددي وچکالي دلاسه د خپلو ځارويو لکه ميږو، ميرانو، وزو، غواوو، آسانو او اوښانو ٪ ٦٠ - ٧٠ له لاسه ورکړيدي. ددوي پاته ځاروي د وښو دنشته والي له امله خوار او يوازي هډوکي اوپوستوکي پاته دي او د هغوي شمير ورځ په ورځ راکميږي. د کوچيانو دنګي پيغلي او لوړوني ښځي په ورځ کې ٢-٣ ځلي پوري دوه- دري کيلومتره واتن وهي خو د خپلي کورني دغړو لپاره د څښلو اوبه په شاباندي راوړي. او د اوبو لوي لوي ژي د اوبو له زيرمي څخه بياتر خپلو کيږدي پورې وړي او راوړي. دوښو ادورشو دنشته والي له امله مړه ځاروي هر چېرې دلاري يوې اوبلې غاړې ته ليدل کيږي.

روغتيا:

وچکالي د ډيرو ناروغيو لکه نس ناستي، دګيډي ددردونو، د څښلو د پاکو اوبو د نشتوالی له امله څخه درا پيدا شويو ناروغيو او په تيره بيا سو تغذي د ناروغيو درا پيدا کيدو سبب شويده. داسي اټکل کيږي چې په تيره بيا د نس ناستي او نورو ساري ناروغيو واقعي به په راتلونکو ورځو کې ډيري زياتي شي.

د نړۍ د روغتيايي سازمان هيات د وچکالي په ځپلو سيمو کې تول روغتيايي تسهيلات وکتل او د ځان سره يې يو څه اندازه درمل هم دي تسهيلاتو ته وليږدول. هيات په دي تسهيلاتو کې د دوارو يعني طبي کارکوونکي او د دوا کموالي مشاهده کړل. خو په ځينو کلينيکونو کې ډاکټران نه وو. ډاکټرانو ددوي د تنخواه د نشتوالي له امله کلينيکونه پرې ايښي وو. خو خپل سري عنعنوي ډاکټران او شخصي درملتونونه هر چېرې موجود او فعال وو د واکسينيشن عادي مرکزونه له دي پرته ولسوالیو څخه په څلورو کې فعاله وو.

کومه ولسوالي چې وچکالي په هغې باندي خپل څادر غوړولي وو هغه د زابل ولايت د شمولزو ولسوالي وه چې هلته ٪ ٦٠ نه زيات څاګان وچ شوي و. هيات ديوي کورني غړي وليدل چې ديوي چيني په شا او خوا راتول شوي او خړباو له ختو ډکي اوبه يې د ځان او د خپلي کورني د غړو د بقا لپاره را اخيستي. په دي ولسوالي کې يوازي دوه شخصي درملتونونه فعال وو او هغه ناروغان يې تداوي کول کوم چې د نس ناستي، توبر کلوز (سل) او سو تغذي په ناروغيو اخته وو. د نړۍ د خوراکي موادو موسسي ددي سيمې په اوسيدونکو باندي غنم (اضطراري مرستي) ويشلي وي او تولو خلکو ددي بشري او انساني مرستو او انساني خواخوږي ستاينه کوله.

د ملګرو ملتو او خيريه موسسي ددي لپاره چې دي وچکالي ته ځواب وواېي، يو پلان يې ترتيب کړي اوهغه دا چې د افغانستان په جنوبي وچکالي ځپلو سيمو کې لاسي ېمبي کيږ دي. يونيسيف ديوي تخنيکي ډلي مشري په غاړه اخيستي څو د زابل اوکندهار په ولايت په ولايتونو کې د وچکالي ځپلو سيمو لپاره د څښلو د اوبو د برابرولو لپاره د عمل يو پلان جوړ کړي. ددي پلان له مخې به يوازي د زابل په ولايت کې ٢٥٠ څاګاني وهي (نوي تيارۍ). او د ملګرو ملتو موسسې به په کندهار کې لاسي ېمبي نصبوي.

خشکسالی

محمد ناصر «نصیب»

زارعان بیقرار و دلتنگ است هر که را بنگری کلا ونگ است
دست کوتاه و پای هالنگ است خسته و زار و خفه و منگ است
خاطر ریش و وضع پژمان است

آب در چشمه هانمی جوشد ابرروی فضا نمی پوشد
نیست رعدی که تندبخروشد سبزه ها آب از کجا نوشد؟
مردمان زار ومات و حیران است

چار پایان مضیقه راست دچار رفته از لاغری همه از کار
بس چرا خوار هاست زرد و نزار اندرین ماه ثور و فصل بهار
سبزه در زیر خاك پنهان است

هست امسال، آنقدر خشك آب میبرد از نبات و حیوان تاب
بیشتر چشمه ها شده نایاب تاکه میساخت، سبزه را سیراب
غصه در باغ و راغ و بستان است

گل فسرده ز آب، در گلشن سربزانوست سنبل و سوسن
انتظار و نثار باریدن تا شود چشم دوستان روشن
در امید نزول یاران است

هست خالق سزای حمد و سپاس زآنچه بنهاده در جهان مقیاس
بود باید «نصیب» بی وسواس فارغ از ترس و بیم و خوف و هراس
هر چه خواهد به پیشش آسان است

هیبتات او وچکالی په افغانستان کی

ژباړونکی: بسم الله اخلاص

په تیرو دریو کلونو کې افغانستان ډیر سخت د باران له کموالی سره لاس او ګریوان ده چې په دی اساس د افغانستان د اوبو منابع په یوه تیته درجه کی قرار لري.

د اوبو کموالی سملاسی پایلی به د حاصلاتو کموالی او د پاکو اوبو د لاسته راوړلو کمښت به ترشا لری. او همدارنګه د کلیو او سیدونکی مجبوریږی چې ښارونو ته مخه وکړی چې دا د ښارویانو په له مخکی نه سخت او خراب حالت باندی یو اضافی فشار ګټل کیږي. د اوبو کموالی او ناپاکوالی ډول ډول ناروغی لکه د ستړګو او غوږونو میکروبی کیدل، د پوستکی میکروبی کیدل او د دیرو زیانمنو حشراتو را پیدا کیدل منځ ته راوړی. چې د دغو مسایلو مخنیوی د اوبو څخه پرته ګران کار دی.

څرنګه چې د اوبو منابع ورځ په ورځ کمیږی او د خلکو اړتیاوی او هلی ځلی د اوبو د پیدا کیدلو لپاره زیاتیږی نو خلک نشی کولای چې خپلو ورځنی عاموظایفو ته په سم ډول ورسیږی.

ښایی چې د افغانستان اوسنی حالت تر دی لا هم ګران شی. د حاکمیت چارواکی په خپلو محدودو امکاناتو سره نشی کولای چې د خلکو ورځنی زیاتیدونکی ضروریاتو ته مثبت ځواب ورکړی. نو اوس نړیوالو مرستندویه دفترونو ته له بل هر وقت نه ډیر ضرورت دی چې خپله انسان دوستی، وروروالی او بشر پالنه د افغانستان له خلکو سره تر لاسه کړی. د اروپایی اتحادیه د انسانی مرستو دفتر (ایکو) یو له هغو ټولو مرستندویو دفاترو څخه دی چې افغانانو سره د مشکلاتو په کمولو کښی مرسته کوی.

دغه دفتر اوس د ملګرو ملتونو د بشر د بیا میشته کیدلو دفتر (هبیتات) سره ګډ کار کوی او یو شمیر مهمو پروژو سره مرستی کوی. دوه له دغو پروژو څخه اوس په کندهار او هرات کښی عاجلی مرستی کوی او فعالیتونه یې د چاپیریال د خطرات او د وچکالي د منفی تاثیراتو کمول دی.

دغه پروری له څوارخونونه د اهمیت وړدی. یو دا چې خلکو لپاره چاپیریال پاکوی تر څو خلک وکولای شی د څښلو لپاره پاکی اوبه لاس ته راوړی او بل دا چې خلکو ته د کار زمینه د ډوډی (غنمو) په بدل کې برابروی.

د دی ترڅنګ، د دغو پروژو لخوا به دکثافاتو سم سیستم منځ ته راځی او همدارنګه به د خلکو د خبرولو لپاره کمپاینونه جوړیږی تر څو خلک د پاک چاپیریال له ګټو څخه خبر شی. د خندقونو ډکول او جوړیدنه هم په دغو پروژو کې په پام کې نیول شوی ده چې د چاپیریال له پاکوالی سره به مرسته وکړی.

د هبیتات دغه دوه پروژی به د پاکو اوبو د لاس ته راوړلو مشکل له دوو اړخونو نه حل کړی یو به اوسنی د اوبو ذخیری، شبکی او څاګانی به جوړی او ترمیم کړی او بل به د نوؤ څاګانو کیندل او د بمبونصب کول به هم په نظر کې ونیسی.

د دغو پروژو هراړخ به د خلکو او ګرنیزو ټولنو په نړدی او ګډو مرستو سره مخی ته لاړ شی. فزیکی جوړښت به په یواځی توګه ونشی کړای هغه ټولی ستونزی حل کړی چې د وچکالی له املې منځ ته راځی. له خطرناکو ستونزو نه د ټولنی خبرول او هغوی ته د دغو ستونزو د حل لاری چاری ښودل هم د لوی اهمیت څخه برخمنی دی. نو په دی برخه کې د غه پروژی به صحی کارکوونکی وګماری چه کور په کور ګرځی او خلک د خوراکی موادو او اوبو پاک ساتل او د اوبو د ضایعاتو څخه د مخنیوی په هکله خبر ورکړی.

څنی مهم پیغامونه چې په دی برخه کې مرسته کولای شی په لاندی دول دی:

۱) خپل څاګانی هر وقت پټی وساتی چې د میکروبونو له ننوتلو څخه مخنیوی وشی.

۲) د ابو څاګانی باید له تشنابونو څخه لری وکیندل شی.

۳) ماشومان باید څاګانو څخه لری وساتل شی.

٤) که تاسو د اوبو له اخیستلو څخه وروسته نل کلک بند کړی، نو د اوبو له ضایعاتو څخه به یو څه مخنیوی وشی.

۵) په کم لګښت او کموسایلو سره کولای شی چې خپل کور او کوڅه پاکه وساتی.

٦) خپل روغتیا ته پام کول ټولنیز روغتیا ته پام کول ده.

۷) د ناروغیو منځ ته راتلل له غیر صحی چاپیریال سره مستقیم اړیکی لری.

۸) خپل کور پاک وساتی تر څو مو خپل چاپیریال پاک وی.

در به در به دنبال آب

انجنیر محمد یونس اختر

مقدمه:

از نظر علم هواشناسی آلوده شدن هوا توسط کاربن دای اکساید، کاربن مونو اکساید و نایتروجن اکساید سبب بالا رفتن گرمای زمین میشود. همینطور بالا رفتن گرمای زمین باعث ذوب شدن یخچال های دایمی که منابع آبهای دریاها را بوجود می آورند میگردد. برخی دیگر بر این باور اند که خشکسالی فعلی که افغانستان، ایران و پاکستان و هندوستان را فرا گرفته، ناشی از انفجارات آزمایش هستوی مناطقوی در اوایل سال ۱۹۹۹ می باشد.

پسمنظر:

سیر حوادث خشکسالی در افغانستان نشان می دهد که خشکسالی به تناوب پس از سپری شدن یك زمان معین تکرار می شود. طوریکه در سال های ۱۸۷۱، ۱۹۰۵، ۱۹٤۷ و ۱۹۷۱ نیز خشکسالی های مشابهی در افغانستان رخ داده بود. با این تفاوت که خشکسالی سال ۱۹۹۹ که درسال ۲۰۰۰ اثرات فاجعه بارآن در سراسر افغانستان محسوس است از نظر شدت و وسعت نسبت به خشکسالی های پیش به مراتب بیشتر و شدید تر است.

هر چند مقابله کردن با خشکسالی که یك مشکل طبیعی مردم است دشوار به نظر می رسد اما هستند کشورهایی که می توانند برای جلوگیری از اثرات سؤ و فاجعه بارآن در بخش های زراعت و اقتصاد تدابیری مفید و مؤثری داشته باشند، گرچه شاید نتوانند اثرات زیان بار آن را درمتضرر ساختن و ضربه زدن محیط زیست جلوگیری کنند، زیرا امکان دارد حیوانات وحشی بیشتر در معرض تهدید و خطر نابودی قرار گیرند.

مردم افغانستان بخصوص مناطق مراکز آن، هنوز خاطرات خشکسالی ۱۹۷۱ را در ذهن دارند، که مردم برای حفظ بقای شان حتی فرزندان و دختران شانرا در بدل گندم می فروختند. مردم منطق مرکزی افغانستان که در دام چنان فاجعه قحطی، گرسنگی گرفتار آمده بودند در نتیجه، نبودن راههای مواصلاتی، عدم توانایی ادارات مسؤول برای نجات مردم، تا سرحد از هم پاشیدگی کانون های خانواده و مرگ و میر انسان ها و

... و آب نیست!

بوجود آمدن قبرستان قحطی زدگان پیش رفت.

امام این بار فاجعه، بزرگترین به سراغ مردمی آمده است که پیوسته با مصیبت ها و آفت ها دست و گریبان بوده اند. ۲۰ سال جنگ تمامي نیروی مردم را در مقابله با هرگونه آفت از بین برده است اگر مجامع بین المللی اقدامات لازم و مؤثر را انجام بدهند و باران همانگونه که انتظار برده میشود، نبارد، هیچ راه و چاره، دیگری وجود داشته نمی تواند.

قصه ها و غصه ها:

احمد ظاهر که سیمای پریشان او در شهر غزنی نظر رهگذاران رابه خود میخواند یکی از آفت زده گان خشکسالی از ولسوالی شهرستان ولایت ارزگان بود:

او گفت: من با اعضای فامیل ام در شمار ۱۲۷ خانواده یی هستم که به خاطر کم آبی و خشك شدن پیهم کاریزها مجبور به ترك قریه خود شده ام. در قریه، ما که وطنه نام دارد ۷۳۰ خانواده دران زندگی دارند، متأسفانه سلسله، مهاجرت شان به وقفه ها ادامه دارد، مردم شهرستان همیشه نان جواری را با آب می خورند و به آن قناعت دارند ولی فعلاً آنهم به مشکل بدست می آید. اواز رسیدن کمك ها برای آفت زدگان چندان خوش نبود، او گفت اولین بار کمك سازمان هاي قریه در سال ۱۹۹۷ که ۲۲۰ مؤتر گندم بود در ولسوالی شهرستان آمد آنهم غیر مسوولانه در منطقه الفو توزیع شد. سال گذشته موسسه دیگري مواد غذایی توزیع کرد که برای هر فامیل مسمی به غریب ۱۰۰ کیلوگندم داده شد. این کمك ها صرفنظر ازینکه کم اند، عادلانه توزیع نمیشوند. مناطق چشمه ساران که عامل مهم بوجود آمدن قریه ها و محل زندگی مردم اند، با خشکیدن آنها طبعاً قریه ها معروض به خطر تهی شدن قرار می گیرند و زمین ها سرسبزی که با دستهای پرتوان دهقانان قریه و باکشت و کارشان آباد و زیست بخش قریه گردیده به کویر مبدل خواهد شد.

در ولسوالي لعل و سرجنگل ولایت غور برخی از قریه جات مانند دره یخك دره کسرو و نو عبدالله کاملاً تهي شده اند.

آب زندگیست:

آب واقعاً اکسیر است وزمین را روح مي بخشد و باورمی سازد. چند سال پیش ولسوالی جاغوری ولایت غزنی را دیده بودم، مردم زمین را چنان به کمك و نیروی آب آراسته بودند که به گلزار تبدیل شده بود؛ اما گرفت خشکسالی

دیگر توان و زیبایي زمین را سلب کرده و اینك آن را به کویر تبدیل ساخته است. من بارها اجتماع مردمی را بخاطر نجات شان از خشك سالی در مسجد جمع شده بودند دیدم که دست به دعا برداشته بودند و نا امید به نظر می رسیدند.

آنها یك سال پیش نصف زمین های زراعتی شان را کشت کرده بودند و با فروختن چند راس گوسفند و بز قوت زمستان شانرا فراهم کرده بودند، اما امسال ٪۲۵ مساحت زمین شان را کاشته بودند که آنرا هم درو می کردند. آنها می گفتند ما به نهال های بادام و زردآلو خیلی علاقه مندیم، برای اینکه نهال ها خشك نشوند، بعضی از مردم با کراچی دستی از سه کیلومتر دور تر براي درختان آب مي آوردند. مردم زیر باغ های شانرا با بیل شیار کرده بودند و برین باور بودند که رطوبت به این شکل تا مدت بیشتري حفظ می شود.

به خاطر آب:

همچنان آفت خشکسالی باعث درگیری ها و بعضاً خودکشی ها نیز گردیده است بطور مثال: اهالی قریه جات سیدبابا و بیانی و ولسوالی سیغات بر سر نوبت آب باهم جنگیدند. یك نفر از قریه بیانی درین جنگ به قتل رسیدو زندگیش فدای آب برای زمین شد.

در ولسوالی بهسود (۲) یك نفر که در سال گذشته از زمنیش حاصل کافي نگرفته بود تا امسال حیاتش را با قرض گذرانده، ولی امسال که نسبت شدید تر شدن خشکسالی او نتوانست چیزی بست بیاورد ناچار دست به خودکشی زد وخود را راحت کرد. دیگر جویبارها گوش های انسان را نوازش نمی دهد و منظره های زیبای سرسبز و آراسته، مزرعه ها و سبزه زار ها با گل های رنگارنگ و ملون آن کسي را به خود جذب ساخته نمی تواند. بلکه به عوض کویرهای خشك و بی آب و علف همه را خفه، غمگین و پریشان میسازد. پرندگان خوشخوان بدون نغمه خوانی بسرد و خاموش و گویا در اندوه انسان ها شریك به نظر می رسند. آهوان نظاره گر چوچه های معصوم شان که از بی آبی چشمان شان پژمرده شده می باشند و گویا مرگ همه، شانرا تهدید می نماید. همچنان امسال صدای تعداد زیادی اطفال و کودکان معصوم که بعد از معلم شان با صدای بلند می گفتند "بابا آب داد"، "کاکا آب آورد" شنیده نمی شود، و باعث اندوه بیشتر معلمین شان گردیده که با این صدا ها انس گرفته بودند. معلم هجران که در ارتباط شش مکتب در ولسوالی های جلریز، بهسود اول، بهسود دوم که از طرف کمیته سویدن حمایت مي شود کار میکند میگوید: خیلی پریشان شدم که تعداد شاگردان مکاتب که من در ارتباط آن کار میکنم بخاطرخشکسالی کم گردیده، زیرا پدران و مادران آنها ناگزیر شدند که بخاطر ترس از گرسنگی قریه ها را ترك گویند.

آب و آموزشگاه ها:

همچنان مردم جوغی که در دور دست ترین گوشه، ولسوالی دشت ناور ولایت غزنی قرار دارند و اخیراً تصمیم گرفته بودند که اگر نیم نان جوهم دارند باید به معلم بدهند تا کودکان شان رس بخوانند. آفت خشکسالی امسال اجازه نداد تا آنها صاحب یك نان شوند که نیم آنرا به معلم بدهند و به اینگونه دروازه های آموزشگاهها بسته شدند. دیگر آواز شاگردان در فضا نمی پیچید.

اداره، نشریه، پیغام از همه دوستان و همکارانی که در شماره ویژه خشکسالی با ارسال مطالب ارزشمند سهم گرفته اند، صمیمانه تشکر میکند. شایان یاد کرد ست که برخی از دوستان صاحبنظر که در تهیه، پیامهای مربوط به خشکسالی ما را یاری رسانده اند، عبارتند از انجنیر محمد یونس پایاب، انجنیر سلیم قیوم، انجنیر اوریا، انجنیر محمد یونس اختر، زلمی شیرزاد، قیوم کریم وحیات (الله) وحدت

وچکالي

څو مياشتې و شوې چې همداسې کيږي
بادونه پاڅيږي او وريځې راشي
اسمان له تورو ، سپينو ، خړو ډک شي
کله د تالندې ګړزهم پورته شي
خو ځمکه څاڅکي پسې مړه شوه باران نه وريږي
سړ کال کوچان رانه غلل
او دشوتلې په بدل کې موچا کورت رانه کړل
مامې کوچې درخوو نه شوه ليدی
تير ځل مې ښار کې له هيندونه مامیره واخيسته
او د هرات سليماني رانجې مې ګډ کول په کې
تول کال لګيا وم په مريو مې رجرومه پوښ کړه
يوه هينداره او يوه سلابې
ماويل در خوبه راشي
تير پسرلي يې رانه سترګوته رانجې غوښتې وو
زمايې داخبره نه هيريږي
چې له خندا سره يو ځای يې وکړه:
« پام چې رانجه يې ښه وي
ديشين پروا د ګناه نه لري رنجو سره سکاره ګډوي »
درخوريښتيا وويل
زمور ګناه ډيره شوه
او ډير سکاره مو درنجو په نامه وشيندل دبل سترګوته

مور د همدې سترګو آزار وړی دی
چې اوس باران نه اوري
څومياشتی وشوې چې همداسې کيږي
بادونه پاڅيږي او وريځې راشي
خو څاڅکي نه پريوځي
مور ګناهکاريو
چې باران نه اوري
او کوچان هم نه رائي
او خدای خبر زما در خوبه وي
په کومه تللې ؟
زه به يې هير يم که ياد ؟
کاشکې خبره وای چې
زما رانجه اصيل دي
او ما ګناه څخه توبه ايستلي
زه په درخومين يم
مين ګناه نه کوي
در خو دې خپله ښيرا بيرته واخلي
ګوندې
باران
ووړي

●●

عبدالغفور ليوال

آب نعمت خداوندی است. برعلاوه آنکه برای ادامه حیات ضروری است استعمال بیشتر آب باعث شفا و حتا باعث تداوی یکتعداد امراض شده و توصیه می شود.

۱) برای کسانیکه با امراض زخمهای معده اثناعشر یا التهابات آن مصاب اند یا سوزش، درد قسمت علوی شکم دارند یا آرغ شان ترش میشود یا آب ترش در قسمت بلعوم شان میآید، یا قبضیت دارند گرفتن آب آشامیدنی وافر در ۲٤ ساعت زیاد مفید میباشد. مریضانیکه با اسهالات مصاب اند باید با آب آشامیدنی نمك هم استعمال نمایند.

۲) کسانیکه با امراض انتانی بولی یا با سنگ های طرق بولی مصاب اند، یا سابقه این امراض را دارند یا باید آب زیاد بیاشامند، خصوصاً در گرما.

۳) برای کسانیکه تکالیف گلو، کام، خراش گلو یا سفره های خشك و نفس تنگی دارند استعمال آب زیاد آشامیدنی مفید است، زیرا باعث تخفیف امراض میشود.

٤) کسانیکه با تب های بلند مصاب اند گرفتن آب و مایعات برای شان زیاد مفید میباشد.

٥) در موسم گرما نوشیدن آب با نمك زیاد مفید است. خصوصاً کسانیکه در سفر اند و یا کارهای شاقه را انجام میدهند، این اشخاص عرق میکنند که با عرق آب و نمك ضایع میشود. اگر این اشخاص آب بنوشند، خطر جل زدن میرود. در صورتیکه با آب آشامیدنی کمی نمك مصرف کنند، جلوگیری از هلاکت شان میشود.

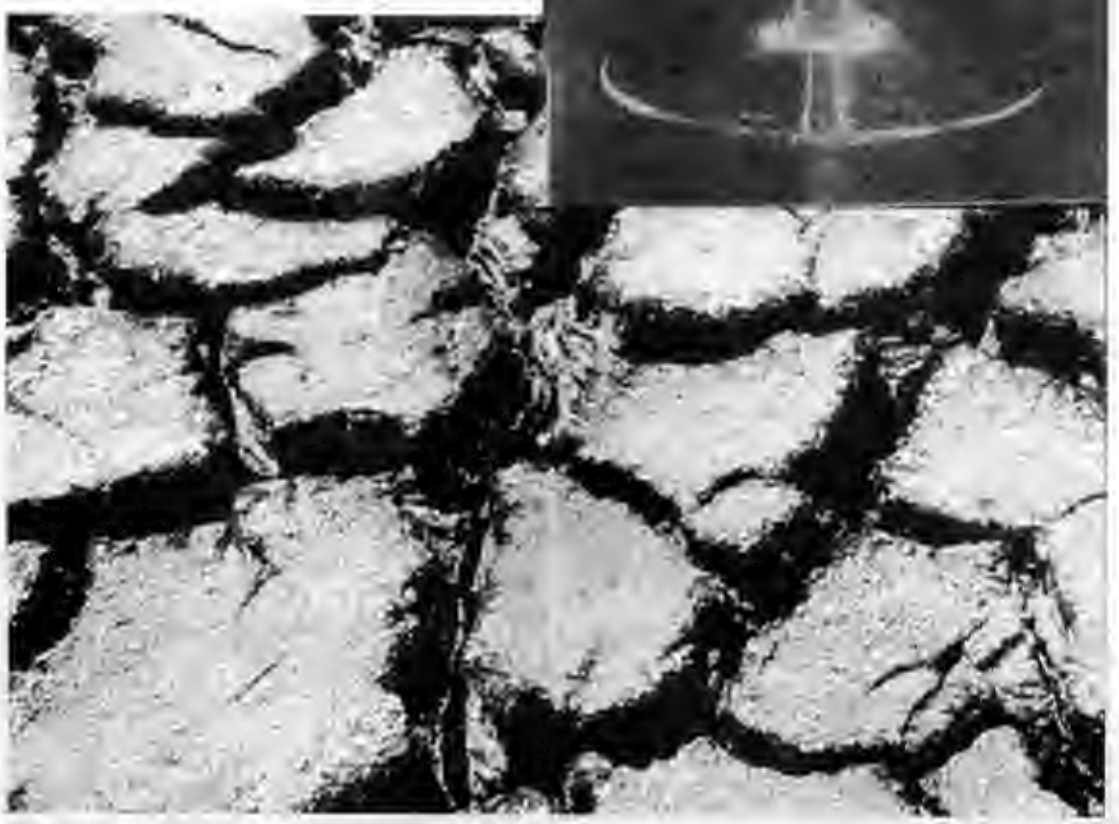

د CDAP د معلوماتو څانګه

وچکالي
ناروغي او معیوبیتونه

وچکالي د طبیعی آفاتو په جمله کې هغه بشري ستونزه ده چې له تندي او لوړي سربیره چې د وچکالي مستقیمی اغیزې دي، تر شا ډیري نورې ناخوالي او اوږد مهاله ستونزې هم را برسیره کوي. په تاسف سره باید ووایو چې په سنتي او عنعنوی ډول خلک اکثراً د وچکالي ظاهري شکل او ډیرو برسیریزه اغیزو ته پاملرنه کوي. هغه څه چې وچکالي یې په وروسته کلونو کې زیږوي او پرځای پریږدي او خلک عمرونه او کلونه ځوروي اکثراً له پام لویږي. مور دلته په هغو تولنیزو او اقتصادی ناخوالو خبرې نه کوو چې د وچکالي زیږنده دی او حتی د تولنو په جوړښت او سمون کې ناوړه بدلونونه راوړي. دلته یوازې هغه روغتیایي اړخ ته پاملرنه را اړوؤ چې د خلکو په تیره بیا د غریبو کورنیو، ماشومانو او میندو ژوند تر جدی ګواښ لاندې نیسي.

وچکالي څنګه د ناروغیو د زیاتوالی سبب کیږي:

په وچکالي کې د اوبو د کموالی په وجه خلک نه شي توانیدای چې د ځان، کور او شاوخوا محیط پاکی په هغسې چې بنایې وساتي. د کورني چاپیریال په ناپاکیدو سره مکروبونه او ویروسونه چې ناروغي منځ ته راوړي د ناروغیو د زیاتوالي سبب کیږي، دغه ناروغي تر تولونه په ماشومانو او هغو ښځو کې زیاتیږي چې د کور چاپیریال د پاکې دنده ورپه غاړه وي او په همدې چاپیریالب کې اوسیږي. اوبه د پاکې تر تولو لویه او مهمه وسیله ده چې ځای یې بل څه نشي ډکولای. کله چې اوبه نه وي پاکی کمیږي. ناپاکی د مکروبونو او ناروغیو د مور حیثیت لري. د ناپاکي په اثر رامنځ ته کیدونکی ناروغي لکه د پیچش او اسهالاتو ناروغي تر تولو زیات په ماشومانو کې رامینځ ته کیږي او مخصوصاً د ګرمي په موسم کې دغه ناروغي ډیر ژر ماشومان کمزوري کوي او که دا کمزوري وروستي خطرناکې مرحلې ته ورسیږي د مرګ سبب کیږي، مخصوصاً کله چې د ماشوم د وجود اوبه کمي شي. پدې حالاتو کې ماشوم ته جوش کړل شوې اوبه خواږه او مالګین مایعات په کافی اندازه ورکړئ ترڅو د ماشوم د وجود ضایع شوې اوبه بیرته پوره کړي.

په وچکالي کې بله ستونزه دا ده چې زیات انسانان او حیوانات د اوبو د کمبود له وجې له یوې سرچینې څخه اوبه استعمالوي او د اوبو داسې استعمال د اوبو د ناپاکیدو سبب ګرزي او بالاخره ناروغی رامنځ ته کوي.

په وچکالي کې اکثراً خلک اوبه د څښاک او نور استعمال لپاره په یو ځای کې ډنډ دروي او بیا په ورځو ورځو ورځخه کار اخلي. دغه اوبه معمولاً د استعمال ورنه وي او ډول ډول بکتریاوې او د ساري مرضونو ویروسونه په کې پیدا کیږي، چې په استعمال سره دا مکروبونه او ویروسونه انسانی او حیوانی ناروغي رامنځ ته کوي.

وچکالي څنګه وبائی ناروغي رامنځ ته کوي:

له ډنډونو دغه ویروسونه او مکروبونه

(پاتې په ۲۲ مخ)

آب نعمت خداوندی (ج) است
آب زندگی است، نباید با آن بازی کرد

بخشهای زیادی از افغانستان با خشکسالی شدیدی روبارو گردیده است. خشکسالی سبب کم شدن آب و پایین آمدن سطح آن شده و به خانواده های زیادی آسیب فراوان رسیده است. اگر خدا نخواسته این بحران دوام کند شهرها و روستاها را بیشر ازین تباه میسازد.

اگر اقدامات لازم صورت نگیرد و در مورد مصرف آب به هر دو منظور (نوشیدن و زراعت) توجه جدی نشود، کاملاً ممکن است به دشواریهای موجوده افزوده شود. لذا بهترست نکات ذیل را همواره رعایت کنیم:

- کودکان نباید با بمبه های آب، بازی و بی احتیاطی کنند.
- از ضایع شدن و هدر رفتن آب باید جلوگیری کنیم ، زیرا آب برای زندگی ضروری است.
- همانگونه که درباره، خود فکر میکنید، درباره، همسایه نیز چنان فکر کنید.
- هنگام آبیاری باید حق اولیت به درختهای میوه دار داده شود.
- برای جلوگیری از ضایعات آب، باید همیشه کانالها و جویها را پاك نگهداریم.
- از آب نوشیدنی نباید به منظور آبیاری استفاده کنیم.
- برای تنظیم عادلانه توزیع آب باید به توصیه و مشوره میرابها توجه داشته باشیم.
- بهتر است همیشه آب (مخصوصاً آب کاریز) را ذخیره و سپس مصرف کنیم.
- باید از کندن چاههای خود سرانه و غیر فنی جلوگیری کنیم.
- پایپ ها و بمبه هایی که لیك شده باشند (یعنی از آنها آب بچکد) باید فوراً ترمیم گردند.
- هنگام حفر چاههای عمیق باید با مقامات مسوول و اشخاص فنی و مسلکی مشوره کنیم.
- تاسرحد امکان از آب استفاده شده نیز در موارد ضروري استفاده شود.
- چاهها نباید به همدیگر نزدیك باشند .
- چاهها نباید به کاریز ها وسایر منابع آب بسیار نزدیك باشند.

آب، آبروی طبیعت است.

اوبه د خدای(ج) لوی نعمت دی
اوبه ژوند دی، لوبی ورسره مه کوی

د افغانستان په ډېرو برخو کې سخته وچکالي رامنځته شوی. د وچکالي له کبله اوبه کمی شوی او ډیرو کورنیو ته ئی زیان رسولی دی، او که دوام وکړی نور به هم خلکو ته په ښارونو او همدارنګه کلیوالی سیمو کې ډیر زیان ورسوی.

که چیری مور لازم اقدامات ونکړو، د څښلو او کروندی اوبه په مؤثر ډول استعمال نکړو کیدای شی چې دغه ستونزی نوری هم زیاتی شی. لکه څنګه چې مور فکر کوو هغو مره اوبه موجودی ندی. ښه به دا وی چې ټول متوجه اوسو، او دا لاندی ټکی مراعات کړو:

- ماشومان باید دلاسی ښمبو سره لوبی ونکړی.
- اوبه مه ضایع کوی، اوبه د ژوند لپاره ډیر ضروری دی.
- څرنګه چې د ځان لپاره اوبه او آرامی غواړی نو د خپل ګاونډی لپاره هم داسی نیک نظر ولری.
- لمړی میوه دازی ونی اوبه کړی.
- د اوبو د ضایعاتو د مخنیوی په غرض کانالونه اوویالی پاکی وساتی.
- وڅښلو اوبه د څښلو لپاره استعمال کړی نه د زراعت لپاره.
- د میر آبانو سره د اوبو د تنظیم په هکله مشوری وکړی او دهغوی پریکړی عملی کړی.
- که اوبه ډیری کمی وی اول یی ذخیره او بیایی استعمال کړی، خصوصاً د کاریز اوبه.
- دباو ډیو د غیر فنی د کیندلو څخه ډډه وکړی، یوښه کیندل سوی څاه یا باوړی ډیری ستونزی حلولای شی.
- هر څومره ژر چې ممکنه وی د څښلو اوبو سوری شوی پایپونه جوړ کړی.
- کله چې برمه وهی د فنی اشخاصو او ادارو څخه مشوره واخلی.
- باوړی باید ډیر سره نژدی نه وی، همدارنګه کاریزو او ویالو ته باید ډیری نژدی نه وی.

اوبه به د ټولنی او طبیعت آبروده.

آب نعمت خداوندی(ج) است
آب زندگی است، نباید با آن بازی کرد

بخشهای زیادی از افغانستان با خشکسالی شدیدی رویارو گردیده است. خشکسالی سبب کم شدن آب و پایین آمدن سطح آن شده و به خانواده های زیادی آسیب فراوان رسیده است. اگر خدا نخواسته این بحران دوام کند شهرها و روستاها را بیشر ازین تباه میسازد.

اگر اقدامات لازم صورت نگیرد و در مورد مصرف آب به هر دو منظور (نوشیدن و زراعت) توجه جدی نشود، کاملاً ممکن است به دشواریهای موجوده افزوده شود. لذا بهترست نکات ذیل را همواره رعایت کنیم:

- کودکان نباید با بمبه های آب، بازی و بی احتیاطی کنند.
- از ضایع شدن و هدر رفتن آب باید جلوگیری کنیم ، زیرا آب برای زندگی ضروری است.
- همانگونه که درباره، خود فکر میکنید، درباره، همسایه نیز چنان فکر کنید.
- هنگام آبیاری باید حق اولیت به درختهای میوه دار داده شود.
- برای جلوگیری از ضایعات آب، باید همیشه کانالها و جویها را پاك نگهداریم.
- از آب نوشیدنی نباید به منظور آبیاری استفاده کنیم.
- برای تنظیم عادلانه توزیع آب باید به توصیه و مشوره میرابها توجه داشته باشیم.
- بهتر است همیشه آب (مخصوصاً آب کاریز) را ذخیره و سپس مصرف کنیم.
- باید از کندن چاههای خود سرانه و غیر فنی جلوگیری کنیم.
- پایپ ها و بمبه هایی که لیك شده باشند (یعنی از آنها آب بچکد) باید فوراً ترمیم گردند.
- هنگام حفر چاههای عمیق باید با مقامات مسوول و اشخاص فنی و مسلکی مشوره کنیم.
- تاسرحد امکان از آب استفاده شده نیز در موارد ضروري استفاده شود.
- چاهها نباید به همدیگر نزدیك باشند .
- چاهها نباید به کاریز ها وسایر منابع آب بسیار نزدیك باشند.

آب، آبروی طبیعت است.

اوبه د خدای(ج) لوی نعمت دی
اوبه ژوند دی، لوبی ورسره مه کوی

د افغانستان په ډېرو برخو کې سخته وچکالي رامنځته شوی. د وچکالي له کبله اوبه کمې شوی او ډیرو کورنیو ته ئې زیان رسولی دی، او که دوام وکړی نور به هم خلکو ته په ښارونو او همدارنګه کلیوالی سیمو کې ډیر زیان ورسوی.

که چیرې مور لازم اقدامات ونکړو، د څښلو او کروندې اوبه په مؤثر ډول استعمال نکړو کیدای شی چې دغه ستونزې نورې هم زیاتې شی. لکه څنګه چې مور فکر کوو هغو مره اوبه موجودې ندی. نبه به دا وی چې ټول متوجه اوسو، او دا لاندې ټکی مراعات کړو:

- ماشومان باید دلاسې بمبو سره لوبې ونکړی.
- اوبه مه ضایع کوی، اوبه د ژوند لپاره ډیر ضروری دی.
- څرنګه چې د ځان لپاره اوبه او آرامی غواړی نو د خپل ګاونډی لپاره هم داسې نیک نظر ولری.
- لمړی میوه داری ونې اوبه کړی.
- د اوبو د ضایعاتو د مخنیوی په غرض کانالونه اوو یالی پاکی وساتی.
- وڅښلو اوبه د څښلو لپاره استعمال کړی نه د زراعت لپاره.
- د میر آبانو سره د اوبو د تنظیم په هکله مشوری وکړی او دهغوی پریکړی عملی کړی.
- که اوبه ډیری کمې وی اول یې ذخیره او بیایی استعمال کړی، خصوصاً د کاریز اوبه.
- دباو ړیو د غیر فنی د کیندلو څخه ډډه وکړی، یوښه کیندل سوی څاه یا باوړی ډیری ستونزې حلولای شی.
- هر څومره ژر چې ممکنه وی د څښلو اوبو سوری شوی پایپونه جوړ کړی.
- کله چې برمه وهی د فنی اشخاصو او ادارو څخه مشوره واخلی.
- باوړی باید ډیر سره نژدی نه وی، همدارنګه کاریزو او ویالوته باید ډیری نژدی نه وی.

اوبه به د ټولنې او طبیعت آبروده.

خشکسالی
مسایل و تدابیر

قلت آب در برخی از ولایات کشور و منطقه ادامه دارد. قلت آن نه تنها افغانان داخل کشور را متاثر نموده است، بلکه مهاجرین مقیم کشورهاي پاکستان و ایران را نیز با کمبود آب مواجه ساخته است. بنابر کمبود آب و مشکلات ناشي از آن خانواده ها و کودکان به خاطر بدست آوردن آب آشامیدنی فاصله های زیادی را درین موسم گرم میپیمایند و به مشکل یك مقدار آب را به دست میاورند. شبها و روز ها مردم در انتظار آب بیدار میمانند.

ممکن است پرسیده شود که چرا خشك سالی به وجود آمد؟ جواب آن روشن است و آن این که امسال بارنده گی به اندازه کافی صورت نگرفت ذخیره های اب پیش از وقت به مصرف رسید. در اثر استفاده زیاد از آب چاه ها، سطح آب در زیر زمین پایین و پایینتر گردید. بنابر همین عوامل امسال، مردم این منطقه با خشك سالی مواجه شده اند.

در شرایط خشك سالی و کمبود آب چی میتوان کرد تا مشکلات مردم از ناحیه کمبود آب کمتر شود؟

جواب این سوال را در دو بخش میتوان ارائه نمود:

۱- آن چی که حکومتها میتوانند انجام دهند این است که:

- باید دولت ها پروژه های تازه آبرسانی از بند نهرها را روی دست بگیرد.
- استفاده از چاه ها و پمپهای اضافی اب را توقف بدهند.
- ساختمان بند ها و ذخیره های کوچك را به منظور ذخیره نمودن آب باران عملی سازند.
- از قطع جنگلات جلوگیری نموده و نهالشانی را عام سازند تا باعث از دیاد باران و جلوگیری از کمبود آب شود.
- پروگرام آگاهی در مورد جلوگیری از ضیاع آب را از طریق اخبار، جراید و رادیو تهیه و تطبیق نمایند تا مقدار آب مورد ضرورت همیشه میسر باشد.
- چاه های جدید آب را طبق ضرورت کندنکاری نموده و مورد استفاده قرار دهند.

۲- به خاطر جلوگیری از کمبود آب، اهالی کشور باید نکات ذیل را در نظر داشته باشند:

از آب طبق ضرورت استفاده کنند. مانند روزهای دگری که آب فراوان میباشد، جا و بیجا آب را مصرف ننمایند.

نلهای ذخیره آب را باز نگذارند، تا آب ضایع نشود.

ذخیره های آب را بپوشانند. و ظروف آب را در سایه بگذارند تا آب در اثر حرارت آفتاب تبخیر نشود.

وچکالي
ناروغي او معیوبیتونه

بالاخره د حیواناتو او انسانانو په وسیله نوروسیمو ته نقل کیږي چې په زیاتو ځایونو کې د وبائی ناروغیو سبب ګرزی. له دې څخه د انسانانو او حیواناتو په واسطه د اوبو ګډه استفاده ددې سبب کیږي چې مکروبونه او ویروسونه وروسته د استعمال کوونکو په وسیله نورو سیمو او نورو ډنډونو ته ورل کیږي چیرې چې زیات خلک له هغو ډنډونو کار اخلي. په دې وسیله له انسان څخه انسان ته، له انسان څخه ډنډ ته له ډنډ څخه انسانانو او همداراز حیواناتو ته مرضونه نقل کیږي او په کمه موده کې وبائی شکل اختیاروي چې مخنیوی یې بیا خورا اوږده مقابله او زیات لګښت ته اړتیا لري.

وچکالي عامه روغتیا او معیوبیتونه:

د اوبو د کمبود په وجه د کرهنې حاصلات لکه غلې، سابه او میوې کمیږي او لدې سربیره د هغوی په غذائی کیفیت کې هم ژور منفی بدلون راځي، د غذایی موادو کم استعمال د انسانانو او حیواناتو د وجود د پروتینونو او ویتامینونو اړتیا نشي پوره کولای. په هغو سیمو کې چې وچکالي ځبلی وي د میوو او خوراکی موادو د کمبود له کبله په ماشومانو او هغو میندو کې چې شیدې ورکوي یا امیدواره وي د ویتامینونو او پروتینونو کمبود رامنځ ته کیږي او په سؤ تغذی اخته کیږي. دغه خوراکی ستونزه په ماشومانو کې د ناروغیو په مقابل کې د هغوی د وجود مقاومت را کموی او بالاخره په ناروغیو اخته کیږي، د مثال په ډول د مرسموس او «کواشیر کور» ناروغي. که دغه ناروغي ژر کنترول نه شي او سؤتغذی دوامداره شي اکثراً په معیوبیتونو بدلیږي.

له دې سربیره د ځینو ویتامینونو کمبود هم په اوږده موده کې د معیوبیت سبب کیږي، لکه د ویتامین A کمبود د سترګو د ځیر د کمزوری سبب ګرزي او دغه کمزوری بالاخره زیاتیږي و د معیوبیت سبب ګرزی. د خوراکی موادو د کمښت په وخت کې کله چې د انسان وجود (مخصوصاً ماشوم او مور) ته پوره خواړه ونه رسیږي، د وجود مقاومت کم کیږي او د سل د ناروغی احتمالات زیاتیږي چې همدا مرض بالاخره معیوبیت هم منځ ته راوړي. د خوراکی موادو کمښت، د ویتامینونو او پروتینونو کموالی د پاکی نه مراعات کول د پوستکی زیاتې ناروغي رامنځ ته کوي.

د خوراکی موادو د کمښت په وخت کې د انسان وجود ته لازم غذایی مواد په کافی اندازه نه رسیږي او دغه کمبود په ماشومانو کې د ذهني وروسته پاتې کیدو (ذهني پښتوب) سبب کیږي او په دې ډول ماشوم په معیوبیت اخته کیږي.

وچکالي او له یز مهاجرتونه:

وچکالي بالاخره خلک مجبور وي چې خپلې سیمې او ودان کلي پریږدي او د اوبو په لټه کې داسې سیمو ته لاړ شي چې هلته له اوبو پرته د ژوند نور سهولتونه کور داکتر، روغتون او د حفظ الصحی لازم شرایط برابر نه وي. په دغه صورت کې د ناروغیو پیژندنه او مخنیوی نه شی کیدای او خلک له ساري ناروغیو سره لاس په ګریوان کیږي. ماشومان له واکسینونو پاتې کیږي بالاخره د کوچنیوالي ناروغي په هغوی زور اچوی چې پایې معیوبوی او یا یې هم وژني.

له دې کبله ګرانو هیوادوالو، په تیره بیا د هغو سیمو خلکو ته چې وچکالي ځیلي په کار ده چې یاد شوو تکوته کلکه پاملرنه وکړي او د وچکالي له ورپه غاړه ستونزو سره د مقابلې تول تدابیر ونیسي.

سید شریف (شبیر)، انجنیر آبیاری
اداره خوراکه و زراعت ملل متحد

ستندردایزیشن در افغانستان

ستندرد و ستندردیزیشن کلمات لاتین اند که دارای معانی الگو، معیار، نمونه، قبول شده، متداول، طبقه بندی، معیارگیری، یکسان سازی و یکنواخت گردانی میباشند. کلمه ستندرد در اکثر کشورهای جهان مورد قبول واقع گردیده، اما در بعضی از کشورها اصطلاحات نورم و نورمالیزاسیون یا کلمات معادل در زبانهای خودشان مورد استفاده قرار میدهند. در کشور ما کلمه های نورم و ستندرد هر دو متداول بوده و کدام کلمه مترادف برای آن تا به حال وجود ندارد.

ستندرد از نگاه مفهوم عبارت از مقرره، قاعده نورم و یا قانون است که توسط ادارات یا مراجع با صلاحیت در یك جامعه، کشور، منطقه و یا در تمام جهان و یا اینکه این مقرره ها یا رسوم توسط موافقت نامه به وجود آمده باشد. موافقت نامه مذکور میتواند در قید تحریر در آید و یا نه. این نورمها و قواعد میتواند با مسائل مربوط به جامعه از قبیل زبان، عادات، سنن و عنعنات یا فرهنگ مردم که نوعی از ستندرد است و فعالیت های بشری در امور تولیدی و صنعتی ارتباط پیدا کند.

ستندردهای انجنیری نشان دهنده قواعد و نورمهای تکنیکی و تشریح آنها میباشد. ستندردها یا نورمهای محیط زیست اثرات مضر و آلوده گی هوا را و ستندردهای صنعتی و تولیدی مسائل مربوط به تولید کننده گان و صارفین را و همچنان ستندردهای اجتماعی نورمهای مرتبط با جامعه را تشریح میکند.

علم ستندرد و ستندردسازی دارای سابقه خیلی قدیمی بوده، آثار باقی مانده از مدنیت های تاریخی از قبیل روم باستان و مصر قدیم نشان میدهد که در آن از روش ستندرد ساختن استفاده به عمل می آوردند. چنانچه در ساختمانها از خشت ها با ابعاد ثابت استفاده میکردند. در دوره مدنیت اسلامی نیز این علم راه تکاملی و پیشرفت خویش را پیموده است چنانچه در بعضی بناهای به جا مانده تاریخی از قبیل مساجد جامع در هرات، بلخ، بخارا ... مورد استفاده قرار گرفته است روش ستندرد سازی به وضوح در آنها به مشاهده میرسد. در دوره رنسانس این علم به سرعت در مسائل صنعتی، تولیدی، تکنیکی و دیگر عرصه ها انکشاف کرد که منتج به بین المللی ساختن آن گردید. در نیمه قرن نزدهم امور مربوط ستندردیزیشن تقریباً در تمام فابریکات رواج یافت و در اثر آن ستندردها در داخل فابریکات عمومیت پیدا کرد و در نتیجه اثرات مثبت آن تولیدات افزایش یافت. در این قرن بالای واحدهای اندازه گیری طول و کتله کار عملی صورت گرفت و به عوض واحدات که به صورت تصادفی تعین شده بودند واحدات جدید به وجود آمد. چنانچه به عوض گز و فُت که یکی از واحدهای اندازه گیری طول اند، واحد ثابت و تکنیکی متر به وجود آمد و مورد قبول قرار گرفت. همچنان به عوض صدها واحد اندازه گیری کتله،

واحد اندازه گیری متحد الشکل یعنی سیستم متریك به وجود آمد. قابل تذکر است که واحد اندازه گیری طول در کنوانسیون پاریس (کنوانسیون متر) در سال ۱۸۷۵ عیسوی (متر) تعیین گردید که مساوی به یك بر چهل میلیونم حصه، نصف النهار زمین میباشد. متر ستندرد در پاریس تحت شرایط خاص نگهداری و حفظ میشود. تعیین متر به حیث واحد طول یك قدم خیلی باارزش و مهمی در پیشرفت مسائل ساینسی و تکنالوژی و سازماندهی امور محسوب میگردد. باید یاد آور شد که یك فت مساوی به طول پای کارل بزرگ پادشاه انگلستان بود. البته فعلاً هم از این واحد تصادفی و غیر تکنیکی در اکثر کشورهای انگلساکسون استفاده میشود، باید افزود که این واحدات دارای قابلیت تقسیم به ۱۲ را داشته که مشکلات زیادی را برای تبدیل واحدات بزرگ به کوچك و معکوس آنرا بار می آورد، اما سیستم متریك دارای قابلیت تقسیم به ۱۰ را دارا میباشد و سهولت های زیادی را برای استفاده کنندگان به وجود آورده است.

در اوایل قرن بیستم نظر به ضرورت روز افزون، به خاطر انکشاف تجارت، انکشاف سریع اقتصادی و صنعتی، بهبود کیفیت مواد تولیدی و کاهش قیمت های آن، موسسات ملی ستندرد به سطح کشورها و بعد به سطح منطقه و بالاخره به سطح بین المللی به وجود آمد. اداره ستندردیزیشن به سطح جهانی به نام سازمان بین المللی ستندردیشن IN-TERNATIONAL STANDARDIZATION ORGANIZATION(ISO) یاد میشود که در سال ۱۹٤۸ عیسوی در لندن تأسیس گردید.(باید گفت که افغانستان عضویت این موسسه بین المللی را حاصل نکرده است.)

در افغانستان موازی با تاریخ پنجهزار ساله اش، ستندرد و نورم سازی انکشاف نموده در مسایل مختلف اجتماعی و اقتصادی کشور نمونه های ستندرد سازی به مشاهد میرسد چنانچه در نتیجه کاوشهای آثار باستانی و تحقیقات دانشمندان علم باستان شناسی ثابت گردیده که در ایام قدیم از ستندردها و ثابت ها استفاده به عمل میآمد، مانند ظروف گلی هم اندازه و هم شکل، مسکوکات فلزی، سامان و

وسایل زراعتی، مجسمه ها، رسامی ها و غیره در عصر جدید نیز نمونه های زیادی از آثار که در آن ستندردها همسان به کار برده شده است موجود میباشد، مانند خشت های سنگی تراشیده شده، خشت های پخته عمارتی با ابعاد ستندرد، سنگ های کاشی، محصولات مختلف صنعتی از قبیل قالین، گلیم، برك، شطرنجی که دارای ابعاد، دیزان و کیفیت های ستندرد محلی میباشند. ستندردایزیشن به شکل رسمی در کشور ما در سال ۱۳۵۲ مطابق سال ۱۹۷۳ به نام اداره، نورم و ستندرد در چوکات وزارت معادن و صنایع آغاز به کار نمود. این اداره به منظور تقویه اقتصاد ملی، حمایه، صارفین و رهنمائی تولید کننده گان جهت بهبود کیفیت محصولات تولید داخلی و ارتقای آن مطابق خواستهای ملی و بین المللی و استفاده اعظمی و معقول از منابع تولیدی و صرفه جوئی در مواد و قوای بشری از طریق تعمیم ستندایزیشن به وجود آمد. این اداره دارآی وظایف عمده جهت طرح و تثبیت ستندردهای ملی و امکانات تطبیق آن در شرایط کشور، مطالعه ستندردهای بین المللی، پیشبرد انواع تحقیقات علمی و غیره میباشد. قبلاً نیز ادارات در این زمینه و بخاطر قرنطین و تحفظ ستندرد اشیای تجارتی وارداتی و صادراتی در چوکات وزارت های تجارت، معادن و صنایع، زراعت، صحت عامه، فوائد عامه و غیره موجود بوده و یا هستند. چنانچه اداره، سیستم متریك در سال ۱۳٤٥ مطابق ۱۹٦٦ در چوکات وزارت تجارت ایجاد و اهداف عمده، آن ترویج سیستم متریك، واحدهای بین المللی و تنظیم خدمات مترولوژیکی بود. این اداره توانست تا در ترویج واحدهای طول (متر)، واحد کتله(کیلوگرام) و واحد حجم (لیتر) که از جمله ستندردهای بین المللی میباشد، در کنترول و عیار سازی آلات اندازه گیری، تصویب مدل های واحدهای اندازه گیری، ترویج واحدهای اساسی بین المللی از طریق تعلیم و تربیه و دیگر نشرات سهم بارزی را ایفا کند.

هکذا غرض کنترول و تحفظ تورم ها و ستندردها اداراتی در چوکات وزارت های ذیربط به وجود آمده، چنانچه مدیریت قرنطین ریاست حفاظه، نباتات وزارت زراعت وظیفه دارد تا تمام مواد و تولیدات زراعتی که از افغانستان صادر و یا وارد میگردد، با در نظر داشت مقررات و ستندردهای دست داشته از نقطه نظر کیفیت و کمیت کنترول و ارزیابی نماید.

در افغانستان انواع ستندردهای بین المللی مروج گردیده است از جمله یکی واحد طول (متر)، واحد کتله (اوزان متریك کیلوگرام) و واحد حجم (لیتر) میباشد. اداره، متریك تغییرات جدی را در عرصه های اندازه اوزان، طول و حجم به وجود آورد طوریکه با آمدن سیستم متریك واحدات گوناگون و متنوع محلی و منطقوی از قبیل خروار، من، سیر، چارك، پاو... که در هر منطقه دارای خصوصیات خود بود و سیستم طول از قبیل گز شاه، گز جریب و زرع که دارای تنوع زیاد و دقت کم بودند از استفاده رسمی باز ماند و کوشش به عمل آمد تا در همه، عرصه های تجارتی و اقتصادی از آن استفاده به عمل آید،

(بقیه در شمارهٔ آینده)

ستاسولیکونه راورسیدل

ډیره مننه

ډیر محترم د پیغام مجلې کارګرونکوته!

زمونږ له طرفه دی د پیغام مجلې ټولو کارګرونکوته دمیښې محبت نه ډک ډک سلامونه ورسیږي.

پس له سلامه د یوانډیوال سره مې د پیغام مجلې لسمه ګڼله وکتله ډیره مې خوښه شوه، او ډیر په زړه پورې مطالب پکښې وو، نو زه دی ته مجبور شوم چې تاسوته لیک درولیږم. دادی لیک می درولیږو، او په پای کښې له تاسونه غوښتنه کوم چې که نوی مجلې چاپ شوی وي نو ضروریی راولیږی دا به ستاسو په مونږ ډیر احسان وي.

بنام خداوند بخشاینده و مهربان

باعرض سلام خدمت همه کارکنان نشریه زیبای پیغام

با اظهار سپاس فراوان خدمت همه شما که درین شرایط نامساعد نشریه بی چون پیغام که چراغی است برای دوست داران هنر و ادب کشور خویش تهیه مینمائید.

هر چند که این نشریه زیبا بعد مدت طویلی بدستم رسید وعلت این نبودن این نشریه در جای که به آن نیاز بیشتر است میباشد.

موضوع را که میخواستم با شما درمیان گزارم روی مطلبی است که در یکی از شماره های این مجله تحت عنوان تلخ وشیرین که به قلم محترم ببرک شیرزی به نشر رسیده است.

درباره اصل مطلب که بکار بردن کلمات زبان خارجی در نوشته های ما میباشد.

برادر ما ذکر از کلمه انگلیسی «ترینینگ» در مطلب ارسالی شان نموده اند هرچند که من بارها به موضوع روبرو شده ام که مورد بحث نیز قرار گرفته.

اما این جا گله از شماست چون دست اندرکاران این نشریه به

اصلاح آن نپرداخته اند که باید میپرداختند تا فردای روز مسؤلیت به دوش من و تو نباشد.

بایدگفت که زبان دری که هزار ها سال تاریخ دارد از خود کلمه یی مانند «آموزش» دارد که میتوان استفاده کرد که برادر ما و شما عزیزان متوجه این نکته نگردیده اید.

امید بعد از این اینگونه مسایل مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

بااحترام

احمد شکیب اکبری، اسلام آباد

سلامهای صمیمانه خود راخدمت کارکنان مجله پیغام تقدیم مینمایم و از ایزد متعال موفقیت و کامیابی برای شان تمنا دارم بعد از تقدیم احترامات در مورد یک سوال خدمت تان تقدیم میکنم. جریده شماره هشتم پیغام اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب دهم دسمبر ۱۹٤۸ میلادی.

از جانب مجمع عمومی سازمان ملل!

مقدمه: درحصهء شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر انان، ازادی عدالت وصلح را در جهان تشکیل میدهد، داخل سی ماده گنجانیده شده است. ماده سیزدهم:- هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کندو محل اقامت خود را انتخاب نماید.

۲- هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور خود باز گردد.

برادر عزیز مدت چندین سال شده بود که در پاکستان بودیم مگر بدون واسطه وپول در امریکا ویا جرمنی وغیره مملکت رفت آمد کرده نمیتواند. چرا گفته اید درماده سیزدهم که هر کس حق دارد که به یک دیگر مملکت زندگی و رفت آمد نمایند در این موضوع روشنی بیندازید چرا که بدون اجازه درمملکت خود کس را نمیساند

ویکی از گفته های شاعر بزرگوار...

ای دل ندای مرگ ترا هم شنید نیست
صبح اجل ز مطلع عمرت دمیدنیست
برتخت وتاج بالش ابریشمی مناز
تنها بجای تنگ ترا آر میدنیست
از گوش خویش میشنوي کان فلان نماند
درگوش دیگران خبرت هم رسید نیست
این نام زندگی که نهادند مرترا
جای حیات نام تو میست نهاد نیست
غره مشو برین گل وبستان نوبهار
باد خزان برین گل وبستان وزید نیست
برپل صراط ودوزخ افتد گذریقین
اندازه گناه عذابت کشیدنیست
چون کل نفس ذایقه الموت ختم شد
میدان که هم شربت مرگ چشید نیست

والسلام

«لقاء» از تایمنی شهر کابل

گرانو او عزتمندو د پیغام مجلی وړاندی کوونکیو!

ډیر ډیر دمینی او خلوص سلامونه او نیکی پیرزوینی قبولی کړی.

زما نوم عرب الدین همدرد دی چې د ضلع تحصیل هنګو درسمندو د کیمپ اوسیدونکی او د حضرت بلال (رض) د لیسی د یوولسم صنف متعلم یم. د پیغام له مجلی سره زیاته علاقه لرم او دی مینی او علاقی زه وهڅولم چې له تاسی سره خپل قلمی ارتباط ټینګ کړم.

فعلاً د سګریټو په اړه یو مضمون درته لیکم هیله ده چې په مجله کې ئې نشر کړئ.

سګریټ: که داوسنی عصر خوړه غذا زمونږ په ټولنه کې چې کله داسلامی خدمت په نامه یوه اصلاحی کمیټه جوړه شوه نو ماهم په ډیره مینه او افتخار سره پدی کمیټه کې ګډون وکړ. او داسلامی خدمت په لړ کې می فعالیت شروع کړ، چې په لړی ځل له یوی افسوس ناکی خاطری سره مخ شوم. زمونږ په ځای کې یوځوان چې بې تعلیمه او له اقتصادی لحاظه کمزوری وو او د سګریټو په څښولو عادت وو. ما د اسلامی خدمت په لړ کې په لړی ځل دغه ځوان ته د سګریټو د مخنیوی توصیه وکړه خوهغه راسره نه منله.

او د سګریټو په اضرارو ئې قناعت نه کاوه. بالاخره ځوان دافیصله راسره وکړه چې راځه چې له ډاکټر څخه پوښتنه وکړو. مونږ چې کله په بازار کې یو کوچنی کلینک ته لاړو او په دروازه ورننوتلو او ومی کتل نو د ډاکټر صیب په لاس کې می سګریټ ولید چې څښاوه یی. د ډاکټر په لیدو سره زما په سترګو تپه تیاره شوه او لاړی می په ستونی کې ونښتی.

ځوان راته وویل: ودی لیدل! که چیری سګریټ دانسان لپاره مضر وای نو ولی به ډاکټرانو څښول. ددې خبری په اوریدو سره زه بې ځوابه پاتی شوم. ډیری غصی مې ټولی خبری له ذهن څخه وویستلی او له کلنیک څخه په ډیر افسوس ناک ډول راووتم.

زه نیوهیږم چې سګریټ تر کومی اندازی خواړه دی. ځکه هر ځوان، هر ډاکټر، هر تعلیم یافته او هر بې تعلیمه سړی ددی خوړی غذا په خوړلو بوخت دی او د چانصیحت ته غوږ نږدی. په داسی حال کې چې دوی د منشیاتو په ټولو اضرارو ښه

مولوي نور ملنګ

د استسقاء لمونځ

اوبه د خدای (ج) ډیر لوی نعمت دی، د اوبو د کمښت او وچکالی په وختونو کې د استسقاء لمونځ کول ډیر ضروري دي چې د خدای (ج) پر انسانان خپل رحمت واوروي. د استسقاء له پاره ښه طریقه دا ده چې مسلمانان د واړه او زاړه سره یو ځای په معمولي لباس کې پلي، په ډېره عاجزی او تواضع سره یو لوی میدان یا دښتې ته ووځي. ځاروي که له ځان سره وباسي نو ډیره غوره ده.

کافران دې د ځان سره نه ملګری کوي. پردي حقونه دې خاوندانو ته ورسوي، د مغفرت غوښتنه دې وکړي او د اذان او اقامت پرته دې دوه رکعته لمونځ ادا ء کړي. امام به په جهر سره قرائت پکې وایي تر لمانځه وروسته به امام خطبه ولولي او بیا به مخ په قبله ودریږي. په داسې حال کې چې لاسونه به یې اوچت کړي وي، د باران له پاره دعا کوي حاضرین به امین ورسره وایي چې الهي نعمت یاني باران له آسمان څخه را ووریږي او د مخلوقاتو تنده ماته شي.

پوهیږی مگر استعمال ئی په زیاته پیمانه کوی.
زه هغو خلکو ته چې سگریټ څکوی په مؤدبانه ډول وایم چې د دی مرض یا داورله خوراک څخه دی خپل ځانونه خلاص کړی او هغه ورونه چې پدی مرض نه دی ملوث شوی په ټینګار ورته وایم چې هیڅکله دی د سگریټ څښولو ته زړه نه ښه کوی.
په اوسنی عصر کې تر ټولو ستر مشکل د سگریټ جوړولو کمپنی او کارخانی دی. زه له ټولو هیوادونو او د ملګرو ملتو دروغتیا له سازمان څخه په ډیر درنښت هیله کوم چې د سگریټو د جوړولو مخنیوی وکړی. که چیرې د سگریټو کارخانی بندی نشی دا ممکنه نده چې خلک ئی له څښولو څخه منع شی.

«والسلام»

لیکونکی: عرب الدین همدرد د پیغام مجلی نوی مینه وال.

زه سراج الله د طب د پوهنځی د دریم صنف محصل یم. ما دستاسو پیغام مجله په ډیر دقت سره ولوسته او زیات نه زیات خوند او په زړه پورې مضامین او نور معلومات پکې وو. نو د ستاسو دغو کامیابو مجلې زه دومره متاثره کړم چې مجبور شوم چې خپل قیمتی وخت د ستاسو لپاره ضائع کړم...!
اوس غواړم چې دغه مجله ماته دهمیش لپاره راولیږی تر څو مونږ په صحیح توګه ورنه ګټه واخلو، او بیائی نورو وطنوالوته په ساده او نرمه ژبه کې ورکړو. دغه به ستاسو زما سره ډیره لویه همکاری وی.

په درناوی.

د اوبو ارزښت د اسلام له نظره

خدای (ج) فرمایي: موږ پیدا کړی دی هر ژوندی شی له اوبو څخه اوبه د ژوندیو موجوداتو د ژوند یوه اساسي ماده ده او د هر ژوندی موجود په پیدایښت کې شاملې دي. صافه هوا، ښکلي باغونه، په ګلانو پټ ښونه، ښایسته غرونه او غونډۍ، انسان، حیوان او نبات ټول د اوبو له برکته ګټه اخلي کله چې د ځمکې پر سر او یا تر ځمکې لاندې اوبه کمیږي نو ټول ژوندي موجودات له لویو ستونزو سره مخامخ کیږي او ژوند ته یې خطر پیښیږي علت یې دا دی چې اوبه لکه اکسیجن د ژوند له پاره حتمي ماده ده. اوبه د خدای لوی نعمت دی نو ځکه د لوی خدای (ج) عظیم شکر غواړي د اوبو د څښاک پر وخت «بسم الله» ویل او د اوبو د څښاک وروسته «الحمد لله» ویل د خدای (ج) شکر ادا کول دي، او د اوبو پر لګښت کې زیاتي نه کول د دغه لوی نعمت قدر کول دي.

روایت دی چې له حضرت محمد (ص) څخه پوښتنه وشوه: آیا په اوداسه کې اسراف شته؟ حضرت محمد (ص) وفرمایل: هو، که څه هم ته رواني ویالې پر غاړه یې.

څرګنده شوه چې د اوبو د اسراف مخنیوي یوه اسلامي دنده ده. اوبه باید هر وخت او په هر ځای د اوبو د کموالي په حالاتو کې له ارتیا سره سم ولګول شي. اوبه دي لومړی په هغه ځای کې استعمال شي چې ارتیا یې زیاته او مهمه وي. لومړی دي انسانان ور څخه په څښاک کې ګټه واخلي، بیا حیوانات او الوتونکی او بیا نباتات، لکه فصلونه ونې او باغونه او نور... دا ځکه چې باغونه د فصلونه په پرتله د تندي په مقابل کې زیات مقاومت لري. د اوبو د پاک ساتلو په برخه کې هم ډیري پاملرنې ته ارتیا ده.

د پیغام د مجلی تولو کارکوونکو زما گرم او توده سلامونه او نیکې هیلې دلوی او تواناخدای څخه درته روغتیا او بریالیتوب غواړم. داگست په ۲۸ نیټه ستاسو پیغام مجله زما تر لاسه شوه. خدای(ج) شاهد حال دی چې په لوستلوئې زما د زړه براس کښېناست. او زه ئې دې ته وهڅولم چې قلم ته لاس کړم. زه خپله د آدب سره ډېره زیاته مېنه لرم او همیشه ادیبانو پسې وروسته په غورزو پرزو روان یم. هیله لرم چې دامجله به دتل لپاره ماته په لاندې پته رالیږی.

صوبه سرحد کرم ایجنسی صدې بازار د غرغښت عالی لیسه استاد محمد طاوس«خزان»

د پلار نصیحت زوی ته

ځان دې که سیال ددې دنیا له دې عالمه سره
بچیه تل مینه کوه کتاب قلمه سره
بچیه کله چې داخل شي په مکتب کې
له تعلیم مخکې گوره ځان ساته ادب کې
احترام تل کوه استاذ ته له هر دمه سره
بچیه گوره دا دنیا په علم ښکلې ده
هر چاچې علم کړو حاصل هغه ګټلې ده
بې علمه خلک وي آخته له دردو غمه سره
بچیه نن که ته بچې ئې سبا پلار ئې
ددې وطن ددې مسکن ښکلی مالیارئې
د خوار غریب خدمت کوه له هر رقمه سره
له سرنه لرې که برسټن د تنبلی بچیه
بیرغ راپورته کړه ته ژر د آزادی بچیه
«خزان» به کړی درته دوعاله صبحدمه سره

من یک دختر ۱۵ ساله افغان استم که ازدیدن وطن خود محروم بوده و در باره آن هیچ چیزی نمی دانم. تولدم در ایران شده و سپس پاکستان آمده ایم. هیچ افغانستان راندیده ام و مردم بسیار تعریف آنرا رامی کنند. آیا افغانستان واقعاً زیبا است؟ من بسیار زیاد علاقه دارم که درباره، وطن عزیز خود معلومات حاصل کنم.

من از شما خواهش میکنم که اگر زحمت نمی شود برای من یک چند قطعه تصویر افغانستان را بفرستید. من بسیار خوش خواهم شد.

وما بعد از چند ماه یا یک سال پاکستان راهم ترک می کنیم. من میخواهم یک یادگار از وطن خود را پیش خود داشته باشم. خودم بسیار زیاد کوشش کردم نیافتم، لذا برای شما خط نوشته کرده ام.

خوب دیگر وقت پرارزش شما دوستان رانگرفته خدا حافظ میگویم.

خدا حافظ

بااحترام

مریم

به اداره محترم مجله وزین پیغام

اسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

نخست از همه پیروزی هر چه بیشتر شما را در راه خدمت به مردم مظلوم و رنجدیده افغانستان و همچنان در راه ثقافت و رونق دادن هر چه بیشتر مجله پیغام ازخداوند(ج) متعال استدعا دارم.

محترما! مدتی است که مجله، پیغام را از دوستانم بدست می آورم و آنرا با غور و دقت کامل مورد مطالعه قرار میدهم و از مطالب پر ارزش و ارزنده، آن گنجینه های افکارم را مملو می سازم.

در پهلوی مطالب ارزشمند مجله اخبار و یا خبر ناشی از اعمار مجدد یك كنج از کشور عزیزم را که در صفحه های آن مطالعه میکنم خیلی خورسند و خوشحال میشوم و گل های امید اعمار مجدد وطن عزیز در قلب ام میشگفد.

در صفحات شعر و ادب آن باید گفت که بسیار زیاد مورد پسندم بوده زیرا که خودم مدت کوتاهی است که به شعر نویسی دست و پنجه با قلم نرم میکنم.

اینك دو قطعه شعر ارسالی ام که به زبان پشتو سروده ام، غرض نشر در مجله پیغام به اداره محترم شما ارسال داشتم (شاید کمی و کاستی) داشته باشد.

امیدوارم از نشر آن ممنونم سازید.

ارسالی داکتر سمیع الله امین یار از موسسه ماین پاکی M.D.C.

دپیغام میاشتنی خپرونی درنو چلوونکوته دزړه له کومی سلامونه اوښی هیلی وړاندی کوم په دی هیله چې سلامونه می ومنی د مجلی د خپرولو له امله ډاډ درکوم چې که چیری د موضوعاتو ساحه یو څه نوره هم پراخه کړی نو ستاسو مجله به دلوستلو او لوستونکو په لحاظ تر هری سطحی خپرونی په لوړه کچه مینه وال ولری.

دلته د پنجاب صوبی دمیانوالی ضلعی دکوټ چاندنی په شپږم لمبر کیمپ کښې

میشت افغان مهاجرین چې دافغانستان دشمال برخی مطلق دهاتی خلک دی او په سلو کښې ۹۷٪ د سواد له نعمته بی برخی او په اقتصادی اجتماعی او فرهنګي لحاظ په ډیره ټیټه درجه کښې واقع دی په لومړی ځل ستاسو د مجلی له مطالبو څخه ګټه اخلی، ځکه چې دغه خلک دلمانځه داداکولو وروسته په مجله کښې د ځینو آشنانو مونو او تصویرونو په لیدو سره یو تن باسواده مجبور وی چې د مجلی په اوراقو کښې لیکل شویو موضوعاتو په اړوند معلومات ورکړی نو که تاسو مهربانی وکړی او ددغو هیرو شویو او بی نومو افغانو د ژوندانه، کارونو او مصروفیاتو په اړه یو ژوندی راپور تهیه او په مصور شکل ئی په مجله کښې خپور کړی نو لویه بریابه مو په برخه شوی وی، دلته دملګرو ملتو مختلف څانګی دافغان مهاجرینو لپاره د نجوونو د شوونځیو دفعالیت په ګډون ډیر په زړه پورې پروګرامونه تر سره کوی چې انعکاس ئی په مجله کښې له ګټې څخه خالی خبره نه ده.

هیله من یم چې زما غوښتنی ته مثبت ځواب ورکړی په درە ناوی

شیر محمد «نیازمند»

افغان مهاجر کیمپ کوت چاندنه ضلع میانوالی پنجاب پاکستان

زندګی چیست؟

یکی از امتحاناتیکه اگر انسان خواسته باشد در آن کامیاب خواهد بود واگر نخواهد ناکام.

زندګی از نظر زود گذر بودن مانند موتریست در آن سفر میکنیم چنانچه وقتی ما پابه موتر میګذاریم مقصدی داشته میباشیم و وقتیکه به مقصد خود رسیدیم از آن پیاده میشویم. زندګی نیز مانند موتر صرف وسیله انتقال بوده و بقادر آن ممکن نیست اگر راه یکدقیقه باشد یا یکساعت یایکروز یا یکماه باشد با لاخره به مقصد خویش میرسیم وعمر ما نیز هر قدریکه باشد باز هم قابل اختتام است. اگر ما ۴۰ سال ۶۰ سال، ۸۰ سال یا ۱۰۰ سال عمر داشته باشیم باز هم به اختتام رسیده و با لاخره به مقصد میرسد.

زندګی را برای انسان میتوان یک امتحان تلقی نمود مایان در طول زندګی در امتحان قرار داریم وقتیکه امتحان بپایان برسد کسیکه کامیاب شده ونمرات خوب دارد برایش جایزه داده و کسیکه ناکام شده است برایش جزا داده میشود.

پس به این نتیجه میرسیم که انسان مورد امتحان قرار داشته اگر در امتحان نمرات خوب را کمایی نموده انشاء اللّه جنت طور جایزه نصیب مان میشود و اگر ترس خداوند (ج) در دل ماوجود نداشته گناه های زیاد کرده وپابند امر حق نباشیم. دوزخ را طور جزا برایمان مقرر مینماید.

در مورد زندګی معلومات فوق را که هر کس آنرا میداند صرف یاد آور شده ام تا خوانندګان متوجه شوند درین باره هر قدریکه گفته و نوشته بروم میشود اما کاغذ های مجله پیغام ګنجایش آنرا نخواهد داشت و نمیدانم چاپ خواهد شد یا نه بار اول منست به مجله پیغام نامه ارسال میدارم ولی بازهم امیدداریم چاپ خواهد شد و در دفعات آینده نیز در باره زندګی بعد از مرګ معلومات خویش را ارسال خواهم نمود.

«هیچ وظیفه یی نجیبانه تر از فراهم کردن آینده بهتر برای کودکان نیست.» از اعلامیه سران جهان برای اطفال ۱۹۹۰

محمد رفیع (یونیسف)

روزهای ملی واکسیناسیون

پولیومیلیتس یك بیماری فلج کننده است. اطفال کمتر از سه ساله معمولاً به این بیماری مبتلا می شوند. معیوبیت پولیو علاج ناپذیر است و شخصیکه توسط ویروس پولیو فلج شده است در تمام عمر معیوب و زمین گیر می شود. خطر بزرگ دیگر اینست که هزاران طفل دیگری وجود دارند که مبتلا به ویروس پولیو هستند، مگر از کدام معیوبیت رنج نمی برند، ولی قادر اند ویروس را به دیگران انتقال دهند. در هر ۲۰۰ واقعه پولیو یکی آن به فلج می انجامد که معمولاً کودکان را از ناحیه پای معیوب می سازد.

اجلاس جهانی صحت در سال ۱۹۸۸ ابتکار جهانی محو کامل پولیو (فلج اطفال) تا سال ۲۰۰۰ را اعلام داشت. این ابتکار به دنبال محو پیروزمندانه چیچك در سال ۱۹۷۹ روی دست گرفته شد. همچنان اجلاس سران جهان برای اطفال که در سال ۱۹۹۰ به اشتراك بیش از ۷۱ رییس حکومت یا دولت دایر شده بود، محو کامل پولیو تا سال ۲۰۰۰ را به حیث هدف قابل دسترسی اعلام داشت. در آن زمان شمار پولیو در یك سال به ۳۵۰ هزار واقعه می رسید.

برای رسیدن به این هدف یونسف و سازمان صحی جهان به همکاری سازمان های غیر حکومتی و ادارات صحت عامه کمپاین های سراسری ای را که به عنوان روزهای ملی واکسیناسیون یاد می شوند، به منظور محو کامل پولیو برگزار کرده اند. در جریان این روزها تمامی اطفال کمتر از پنج ساله با دادن دو قطره واکسین پولیو از طریق دهن در مقابل این ویروس مصونیت حاصل می کنند. افغانستان یکی از سی کشور است که در سال ۲۰۰۰ هنوز هم ویروس وحشی پولیو در آن وجود دارد. این سی کشور عبارتند از: افغانستان، انگولا، بنگله دیش، بینین، بورکینافاسو، کامیرون، چاد، کانگو، ساحل عاج، جمهوری دیموکراتیك کوریا، جمهوری دیموکراتیك کانگو، مصر، اریتریا، اتیوپیا، گانا، گینی بیساو، هند، عراق، لایبریا، مالی، نیپال، نایجریا، پاکستان، سنیگال، سیرالیون، سومالیا، سودان، و توگو. در سال ۱۹۹۹ چین، ایران و میانمار پولیوی وارداتی داشتند. از میان این سی کشور ده کشور در شمار اولویت های بلند قرار دارند و آنها را به دو دسته تقسیم کرده اند:

۱) ذخایر پولیو: بنگله دیش، اتیوپیا، هندوستان، نایجریا و پاکستان جاهایی اند که سرایت ویروس در آنها خیلی گسترده است. مشخصه این کشورها نفوس زیاد و سطح پوشش نازل واکسیناسیون عادی و شرایط حفظ الصحه نامطلوب است.

۲) کشورهاییکه در آنها شرایط جنگی حاکم است، و اجرای واکسیناسیون و نظارت ازان کار دشوار است. این دسته کشورها عبارتند از: افغانستان، انگولا، جمهوری دیموکراتیك کانگو، سومالیا و سودان.

یونسف و سازمان صحی جهان آماده اند هر چه در توان دارند برای کمك در مساعی برای محو کامل پولیو در افغانستان به کار گیرند. این امر شامل

کارکردن همراه تمام مقامات در تمام مناطق و ولایات در سال های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ می شود تا تمام اطفال کمتر از پنج ساله از طریق برنامه های عادی معافیت کتلوی (واکسیناسیون) و روزهای ملی واکسیناسیون، واکسین شوند. روزهای ملی واکسیناسیون امسال از اول تا سوم ماه می (برابر با ۱۱ تا ۱۳ ماه ثور ۱۳۷۹) و ۳ تا ۵ ماه جون (برابر با ۱۳ تا ۱۵ ماه جوزای سال ۱۳۷۹) صورت خواهد گرفت.

طی ۱۲ سال گذشته چهار ستراتژی در بسیاری از کشورها موفقانه به کار گرفته شده اند:

- واکسیناسیون عادی کودکان، که با دادن چهار دوز قطرات واکسین پولیو از طریق دهن در اولین سال حیات آغاز می شود.

- کمپاین دسته جمعی که به نام روزهای ملی واکسیناسیون یاد می شود، و طی آن تمام اطفال کمتر از پنجساله بدون درنظرداشت اینکه قبلاً واکسین شده باشند یا خیر، واکسین شوند. در کشورهاییکه پولیو در انها طور دایم وجود دارد، معمولاً دو دور واکسیناسیون در هر سال به مدت حد اقل سه سال پیهم ضرور است. در افغانستان، سال ۱۹۹۹، اولین سالی بود که چهار دور واکسیناسیون صورت گرفت.

- سرویلانس و نظارت مرض پولیوی حاد. نظام سرویلانسس و نظارت باید هر طفلی را که به فلج مبتلا ست پیدا و تحقیق کند تا روشن شود که آیا عامل فلج ویروس پولیوست یا خیر.

- کمپاین های پاک کاری: به منظور اطمینان حاصل کردن ازینکه در مناطقی که واقعات پولیو خیلی زیاد است و یا سطح پوشش واکسیناسیون نازل است، هر طفل باید واکسین شود.

در افغانستان واکسیناسیون و نظارت دارای کیفیت عالی باید حد اقل تا سه سال پس از آخرین واقعه پولیو ادامه یابد.

محو پولیو در افغانستان با سه دشواری عمده رو برو است:

نخست، از همه باید از جانب مقامات حاکمیت، مقامات جبهه متحد و اداره ولایات و ولسوالیها، در قبال این پروسه در سر تا سر کشور تعهد سیاسی موجود باشد. ملل متحد و سازمان های غیر دولتی نمی توانند محو پولیو را بدون این تعهد به انجام رسانند.

دوم، دسترسی به اطفال، و این به تعهد سیاسی بستگی دارد. این کار به تعداد کافی واکسیناتوران آموزش دیده و مجهز دارد که به دورترین ولسوالی ها به سواری اسپ یا سوار بر موترسایکل یا پای پیاده سفر کنند. برای این کار مساعی لازم است تا تمام اطفالیکه در نواحی مرزی میان افغانستان و کشورهای همسایه در رفت و آمد هستند، واکسین شوند. مهمتر از همه اینکه برای اجرای روزهای ملی واکسیناسیون توقف جنگ امر حتمی است. در سال های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ رهبران تمام جناح ها به آتش بس که به نام روزهای آرامش یاد می شود، موافقه کردند. مگر در سال ۱۹۹۹ آتش بس صورت نگرفت و تمام اطفال واکسین شده نتوانستند. در نتیجه بیشتر از ۱۵۰ طفل کوچك افغانستان به پولیو مصاب شدند که در تمام عمر فلج و زمینگیر باقی خواهند ماند.

سوم، به منابع پولی ضرورت است. افغانستان امروز برای فراهم کردن خدمات صحی برای تخمیناً ۲۳ ملیون نفوس باقیمانده در کشور کاملاً به

آخرین نامه

... در واپسین لحظات این پیغام به چاپخانه سپرده میشد. این نامه به ما رسید:

خوانندگان گرامی!

لطفاً به پرسشهای زیر - درصورتیکه وقت وحوصله داشته باشید - پاسخ نوشته ومرا از پریشانی که ماهها ست اذیتم میکند برهانید

۱) درخشکسال آب، برای باران دعا میکنیم؛ درخشکسال عاطفه چه باید کرد؟ آیا گریه دوای همه درد ها ست؟ اگر چنین باشد چرا شاعری گفته است: "... درین ستم گاه از درد ناامیدی بسیار گریه کردیم، اکنون بیا بخندیم" ؟

۲) اگر در خشکسال آب، چشم مان در آسمان دنبال ابرهای فتویی باشد، در قحطسال عشق ومحبت دنبال چی چیزی باید گشت؟

۳) چرا آدم گاهی مجبور میشود، زیر لب چنین زمزمه کند:
دلم زهرچه که سبزست بعد ازین خالیست...
که سبزه، سبزهٔ باغست و باغ یاد بهار ...،

۴) سپیدار آفتاب سوخته درجغرافیای خشکسالی، در بارهٔ بیکرانی آب دریای نیل چگونه خواهد اندیشید...؟

فرستنده شیگیا شکیب، کابل

موسسات امداد بشری متکی است.
سازمان صحی جهان و یونسف به کمك سازمان های غیر دولتی گوناگون تخمین کرده اند که برای خریداری واکسین ها، اجرای کمپاین و فعالیت های سرویلانس تنها در سال ۲۰۰۰ به پنج اعشاریه دو ملیون دالر ضرورت است. کمك دهنده گان اگر احساس کنند که از هر دو جانب مناقشه حسن نیت وجود دارد و آتش بس در جریان روزهای ملی واکسیناسیون رعایت میشود، بیشتر مایل به پرداخت پول می شوند.
برای رسیدن به هدف موفقیت روزهای ملی واکسیناسیون باید:
۱) از تاریخ ۲۹ اپریل تا ۵ می و بار دیگر از اول تا ۷ جون آتش بس اعلام و مراعات شود، تا به واکسیناتوران مجال داده شود به تمام اطفال کمتر از پنجساله افغانستان برسند و انها را در مقابل پولیو واکسین کنند.
۲) این گفته معنایش آنست که رهبران سیاسی و نظامی در همه سطوح باید با آتش بس موافقه کنند و به فرماندهان جنگ دستور رعایت آتش بس دهند.
۳) در مساعی برای واکسیناسیون مقامات در همه سطوح باید کمك فنی فراهم کنند.
٤) زنان باید اجازه داشته باشند همراه با کودکان شان تا محلات واکسیناسیون بروند.
۵) به ژورنالستان باید اجازه داده شود از جریان فعالیت های واکسیناسیون گزارش تهیه کنند.

درینجا توجه شما را به گفت و شنودی جلب میکنیم که با آقای الیوبیلو آمر برنامه های بقای حیات کودکان و مادران صورت گرفته است:

سوال: آقای الیوبیلو لطفاً در مورد پسمنظر روزهای ملی واکسیناسیون معلومات دهید؟
الیوبیلو: محو کردن پولیو در افغانستان از سال ۱۹۹٤ آغاز شد. در آن زمان این یك ابتکار مشترك از جانب کشورهای معروف به میکاکار (خاور میانه، قفقاز و جمهوری های آسیای میانه) بود برای اجرای کمپاین های سالانه به منظور محو پولیو. از آن زمان تا کنون ۱٤ دور روزهای های ملی واکسیناسیون را اجرا کرده ایم. این کمپاین از ۱۹۹٤ تا سال ۱۹۹۷ به نام کمپاین وسیع واکسیناسیون یاد می شد. از سال ۱۹۹۷ بدینسو آنرا به نام

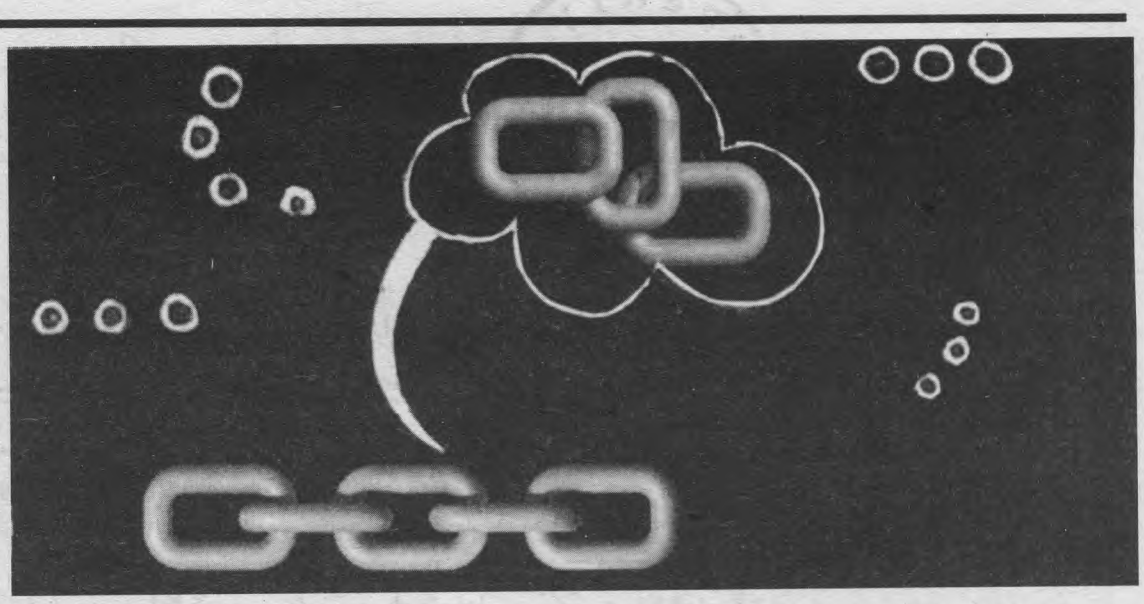

روزهای ملی واکسیناسیون یاد میکنند.

سوال: از آغاز کمپاین های روزهای ملی واکسیناسیون تا کنون چند طفل واکسین شده اند؟

الیوبیلو: در هر دور روزهای ملی واکسیناسیون تمام اطفال کمتر از پنجساله افغانستان مورد نظر هستند. از سال ۱۹۹٤ تا ۱۹۹٦ در هر دور طور اوسط ۳,۵ ملیون طفل کمتر از پنجساله واکسین شدند، در حالیکه از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۰ در هر دور روزهای ملی واکسیناسیون طور اوسط ٤,۲ ملیون طفل تحت پوشش قرار گرفتند. از سال ۱۹۹۷ بدینسو تنها قطرات واکسین پولیو به گرپ مورد نظر داده می شود، در مقایسه با انتیجن های متعددی (واکسین های مختلف) که در جریان کمپاین های وسیع واکسیناسیون داده میشد. در ۷ دور از ۱٤ دور کپسول های ویتامین (آ) نیز داده شده است.

سوال: در تلاش برای محو پولیو در افغانستان، همکاران عمده یونسف چه کسای هستند؟

الیوبیلو: همکاران عمده ما عبارتند از وزارت صحت عامه، ادارات منطقوی صحت عامه، سازمان صحی جهان و دیگر موسسات ملل متحد، سازمان های غیر حکومتی، عمدتا کمیته سویدن برای افغانستان، ابن سینا، دکتوران بدون مرز، موسسه اکبر و یك سازمان کویتی به نام (KJRC). این سازمان ها در کار پلانگزاری، اجرای عملیات، فراهم آوردن لوژستیك و انتقالات در سراسر کشور از نزدیك همکاری دارند. مخارج روزهای ملی واکسیناسیون در هر دور به طور اوسط به ۲,۷ ملیون دالر (از منابع یونسف و سازمان صحی جهان) میرسد که در برگیرنده قیمت واکسین، مخارج لوژستیك و انتقالات، آموزش و تربیه رضاکاران، بسیجگران و مخارج عملیاتی می شود. سایر موسسات و مردم محلی نیز کمك های نقدی یا جنسی فراهم کرده اند. در حدود ۱۳۵۰۰ رضاکار درین عملیات اشتراك میکنند تا واکسیناسیون پولیو را در تمام سطوح انجام دهند. به اضافه آن ۳۰۰ هماهنگ کننده، ولسوالی و ٦۰۰ سوپروایزر نیز در این کار دخیل اند.

سوال: به نظر شما افغانستان چه زمانی می تواند کشور فارغ از پولیو اعلام شود؟

الیوبیلو: جمعاً ٤ دور روزهای ملی واکسیناسیون برای سال ۲۰۰۰ پلان شده است که به دنبال آن چهار دور دیگر در سال ۲۰۰۱ به اجرا خواهد آمد. امیدواری وجود دارد که با این دورها، انتشار ویروس پولیو در افغانستان تا پایان سال ۲۰۰۱ متوقف شود، و به این طریق سه سال پس ازان تصدیقنامه محو پولیو برای افغانستان داده خواهد شد.

سوال: با توجه به شرایط جنگ در افغانستان کدام موانع عمده در راه عملی شدن محو پولیو در افغانستان موجود است؟

الیوبیلو: عمده مانع بر سر راه رسیدن به این هدف دسترسی به سراسر کشور برای رسیدن به اطفال مستحق است. یکی از عناصر اساسی در این جریان اینست که باید به هر طفل رسیده شود. به این منظور بسیار مهم است تا همه جوانب جنگ در افغانستان روزهای آرامش و آتش بس را در روزهای ملی واکسیناسیون مراعات کنند، و عبور بلامانع مواد و پرسونل را که در امر عملی کردن روزهای ملی واکسیناسیون اهمیت اساسی دارند، تضمین کنند.

PROPERTY OF ACKU S888

آب

من چه میدانستم
من چه میدانستم شبنم می‌پژمرد از بی‌آبی؟...
• حمید مصدق •

• آب و آغاز ...

وقتی برای اولین بار روی تخته سیاه خواندم آب ، در آن سال خواندن آب برایم گوارا تر از نوشیدن آن بود. فکر میکردم آب یعنی آغاز... برای من در آن هنگام خانه ، مکتب ، شهر ، روستا ، زمین ، آسمان و همه چیز با آب آغاز میشد ، شاید به خاطر آنکه نخستین برگ کتاب زندگیم با آب آغاز شده بود. وقتی مادر دلتنگ میبود ، پیوسته اشک میریخت و حالش بهتر میشد ، و من فکر میکردم که هر غمی میتواند با گریه قطره قطره آب شود! برای من آبشار ، گریه دلتنگی کوهها بود ، باران سرشک پاپی دلتنگی آسمانها و دریا ، دلتنگی جاری دنیا که همواره موج موج به دیار ناشناخته ای میرفت و گم میشد.

صدای پای آب را دوست داشتم و میدانستم که باید "آب را گل نکنیم". میدانستم که وقتی باران ببارد ، شیشه های غبار گرفته پنجره ها ، برگهای خاک آلود درختان ، بالهای خسته پرستوها و خونهای ریخته روی خاک و روی سنگ شسته میشوند ، کشتی های کاغذین کودکان به حرکت درمی آیند ، بادبادکها نم برمیدارند و دیگر کبریتی نمیتواند جنگلی را به آتش بکشد.

• آب و آمار ...

آب بسیار از جویبار لحظه ها گذشت. تازگیها نشریه ای به دستم افتاد که با آنچه سالها در باره آب خوانده بودم ، تفاوت بسیار دارد. این بار حقیقت تلخ آب با زبان درشت و دردناک ارقام سخن میگفت :

- هم اکنون هشتاد کشور جهان - یعنی اندکی کمتر از نیمه نفوس دنیا - را بحران مزمن و فزاینده کمبود آب تهدید میکند.
- ده بلیون نفر اصولاً به آب نوشیدنی صحی دسترسی ندارند.
- ده ملیون انسان در اثر بیماریهای برخاسته از آب ناپاک ، سالانه چشم از جهان میپوشند. (وقتی قضیه آب تا این حد الجرای باشد آیا خطر امتداد احتمالی فاجعه بر زمینه بیقرار زبان ، بماند هنده تر از تلخی حقایق نهفته در آمار نخواهد بود؟)
- با وجود تلاشهای ناکام و کامیاب بشریت ، کره زمین میزبان دست کم دو بلیون انسانی خواهد بود که تا بیست ، بیست و پنج سال دیگر به دنیا خواهند آمد. در آنصورت تسهیلات نسبی کنونی نیز از دست خواهد رفت و مقدار آب واضحاً کاهش خواهد یافت.
- در بسیاری از کشورها ، چهل تا پنجاه فیصد آب در فاصله های زمین تا دست و دست تا دهن ، بیهوده تلف میشود : در حالیکه مثلاً در مانیلا ۵۸٪ آب استفاده ناشده به هدر میرود. البته چند شهر خوشبختی مانند سنگاپور نیز است که ضایعات آب در آن بیشتر از هشت فیصد نیست.
- براساس محاسبات "World Bank" (بانکی که طرح و اجرای پروژه های آبی جهان ساخته است) تا ده سال آینده باید شش صد تا هشتصد ملیون دالر در راه آب و بهبود پروژه های آبرسانی سرمایه گذاری شود ، ورنه ولخرجی امروزین مردم به گونه بدی جبران ناپذیر خواهد بود. اگر جایی که تا امروز بر آب رفته است ، به همین روال ادامه یابد ، باید بدانیم که فردا تشنگی از حنجره تمام چاهها ، کاریزها و قناتها فریاد خواهد زد:

" ای کاش ! اندام من تنگ شیرین آب بود. "

• آب و آینده ...

اسماعیل سراج الدین یکی از مسئولین بانک جهانی پیشبینی خونینی کرده است : "جنگهای سده آینده به خاطر آب خواهند بود ، و نه به خاطر نفت."

اگر امروز تماشاچی بیطرف جریان بیهوده آبها باشیم و شیر آب انبارهای دم دروازه خانه مان را که بی انصافانه قطره قطره به دامان خاک میریزد ، درست نبندیم ، و اگر ما به سرنوشت بیرنگ آب نیندیشیم ، فردا بستر نمناک دریا به کشتی های بگل نشسته ما هرگز نخواهد اندیشید. به خاطر کام و زبان خشکیده آدمها ، مرگ سوزان ماهی ها و مرجانها ، غوغای دلتراش مرغابیان ، خموشی چوبین و آسمانخراش درختها ، و پریشانی زرد سبزه های فردا ، نباید گذاشت که بیش از این آب همیشه به هامون هرگز بریزد و نابود شود.

ارهای آواره سپیدو سیاه برفراز افرقها ، افغانستان ، ماوردمیانه ، چین ، هند ، پاکستان و سرزمینهای کناری آنها در سوگ فردای ناشناخته فرزندان زمین میگریند ، فردایی که در آن آب کم خواهد بود و آب پاک کم پیدا تر از کیمیا ....

آب ، زندگیست. اگر آب نباشد آدمها چگونه خواهند زیست ، و قوها چگونه خواهند مرد؟
آب ، آبروی طبیعت است ، و اگر آب نباشد؟ ... □□

صبورالله سیاسنگ

پیغام از همه دوستانی که با فرستادن نوشته ها، عکسها و طرحهای جالب در تهیهٔ این شمارهٔ سهم گرفته اند از صمیم قلب و احساس سپاسگزار است.

منظره هایی از خشکسالی در قندهار

همکاران این شماره:
طرحها: مرجان صحرا
عکسها: لیزلی آکویست، نگین، حجرالاسود و بهار
برگ آرایی: سس سس سفینه

PAIGHAM

صحنه هایی از مرگ سوزان
ماهی ها و مرجان ها